

## روش ترکیب برای کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام

**چکیده:** روش استنباط آموزه‌های اقتصادی هر شریعت مدعی جامعیت، امری مهم در اثبات جامعیت آن است. تفاوت در روش استنباط، تمایزهای فراوانی را درباره آموزه‌های اقتصادی مستنبط در پی خواهد داشت. شریعت مقدس اسلامی نیز از این امر مستثنا نیست. تفاوت در روش دست‌یابی آموزه‌های اقتصادی اسلام، فرق‌های فراوانی را در محصول نهایی در پی خواهد داشت. در این نوشتار، ضمن بررسی برخی روش‌های مهمی که محققان اقتصاد اسلامی از آن بهره برده‌اند، کوشش خواهد شد تا روش استنباط آموزه‌های اقتصادی اسلام با تکیه بر مبانی معرفت‌شناسی فقهی اسلام، ارائه شود. ابتدا آموزه‌های اقتصاد اسلامی از دیدگاه نویسندگان تبیین، سپس قلمرو اقتصاد اسلامی از دیدگاه برخی اندیشمندان اسلامی و روش‌هایی که عنصر اجتهاد متناسب با مبانی فقه اسلام باید در آنها جریان یابد تا اقتصاد اسلامی کشف شود، بررسی خواهد شد.

\* استادیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

پیش از شروع بحث، اشاره به مراتب دین برای فراهم کردن بستر بحث و نیز مبنا و پیش فرضی برای مباحث آتی، ضروری به نظر می‌رسد.

### مراتب دین

توجه به حقیقت دین و آنچه در صحنه تاریخ ادیان اتفاق افتاده است، وجود سطوح و مراتب مختلف طولی را برای دین نمایان می‌سازد؛ از جمله:

۱. دین نفس‌الامری: خداوند متعال انسان را آفرید و از آغاز و انجام و همه ابعاد وجودی جسمی و روحی او آگاهی و اطلاع کامل دارد. برای فلاح و رستگاری انسان نیز که هدف نهایی از خلقت او است، نقشه‌ای جامع و راهی روشن در علم الهی و مشیت ربانی وجود دارد. در این نقشه جامع، نوع باورها و اعتقادات، تمام بایدها و نبایدهای کلی و نیز احکام لازم برای روابط بین مردم، مردم با منابع و طبیعت، و مردم با دولت در تمام عرصه‌ها از جمله عرصه اقتصادی وجود دارد. در اصطلاح، این واقعیت، عالم واقع و نفس‌الامر نامیده می‌شود.

۲. دین مرسل: آنچه از سوی خداوند متعال برای هدایت انسان به سوی رستگاری ارسال شده است، «دین مرسل» است. خداوند متعال در هر زمانی بخشی از آن نقشه جامع را به وسیله رسولان خود برای هدایت مردم فرستاد. بنابراین، دین مرسل اسلام، عبارت است از آموزه‌هایی که در کتاب و سنت از طریق وحی و به وسیله پیامبر (ص) و معصومان (ع) ارائه شده است. آنچه از طریق وحی و به وسیله پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) ارائه شده، مطابق با دین نفس‌الامری است و نیز جامع و کامل است؛ گرچه دشمنان دین، مانع شدند تا دین حق مرسل، به طور کامل به عصرهای بعدی برسد. براساس ادله نقلی، پیامبر اسلام (ص) خاتم رسولان است و نقشه سعادت بشر به نحو کامل به وسیله آن حضرت ارائه شده است. در آیات قرآن می‌خوانیم: «ما فرطنا فی الكتاب من شیء (انعام / ۳۸)؛ «هیچ چیز را در کتاب فروگذار نکردیم.» «نظیر این آیه، آیات دیگری نیز وجود دارد (نحل / ۸۹). علامه طباطبایی در معنای «الکتاب» سه احتمال داده است: الف. مقصود از کتاب، لوح محفوظ است؛ یعنی آنچه مورد نیاز بشر است، همه در لوح

محفوظ و نفس الامر وجود دارد. ب. مقصود از کتاب، قرآن مجید است. بنابراین، هر چیزی که برای سعادت دنیا و آخرت انسان لازم است، در قرآن آمده است. ج. هر دو معنا مقصود است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۸۲ و ۸۳).

به هر حال، این آیه و نظیر آن بر وجود نقشه جامع برای سعادت دنیایی و آخرتی انسان، به ویژه براساس احتمال سوم، دلالت دارد. البته، اگر آیه بر احتمال اول حمل شود، در آن صورت با تمسک به روایات فراوانی می توان مدعی جامعیت شریعت اسلامی برای سعادت دنیوی و اخروی بشر شد. برخی از این روایات عبارت اند از:

امام صادق (ع) می فرماید:

... لیس شیء الا و قد جاء فی الكتاب و جاء السنة (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲،

ص ۳۰۴)؛ ... هیچ چیز نیست مگر آنکه در کتاب خدا و در سنت آمده است.

همچنین در روایت دیگری معصوم (ع) می فرماید:

... اتی رسول الله (ص) بما استغفوا به فی عهده و بما یکتفون به من بعده الی

یوم القیامة (همان، ص ۳۰۵)؛ ... رسول خدا (ص) هر چیزی را که مردم

در زمانش و نیز آنچه را مردم بعد از ایشان تا روز قیامت نیاز دارند، آورده است.

نظیر این احادیث در جوامع روایی شیعه و سنی فراوان آمده است که دلالت بر جامعیت شریعت اسلامی، هم در عالم واقع و نفس الامر و هم در سطح دین مرسل دارد. در عالم واقع و نفس الامر، مبانی اعتقادی، اخلاقی، بایدهای عام، احکام انواع روابطی که بشر در ساحت های مختلف فردی و اجتماعی برای رستگاری نیاز دارد، موجود است. همچنین اینکه انسان در ساحت های اجتماعی همانند اقتصاد باید چه اهدافی را و چگونه دنبال کند وجود دارد؛ چرا که مقتضای جامعیت شریعت چنین است. بنابراین، در این قلمرو احکام روابط بین مردم، مردم با منابع و طبیعت، مردم با دولت در سطح خرد و کلان در عرصه های رفتارهای اقتصادی نیز وجود دارد.

### آموزه های اقتصاد اسلامی

محققان اسلامی وقتی از قلمرو و آموزه های اقتصاد اسلامی بحث می کنند، از واژه هایی بهره می برند که هم در دامنه استفاده از میزان واژه های اساسی و نیز در مفاهیم این

واژه‌ها اختلاف‌های فراوانی وجود دارد. این اختلاف‌ها دست کم در ظاهر باعث تفاوت برداشت‌هایی در قلمرو و آموزه‌های اقتصاد اسلامی شده است. برخی، احکام اقتصادی ثابت و غیرثابت را قلمرو اقتصاد اسلامی معرفی می‌کنند. بعضی افزون بر آنها از واژه مبانی و مکتب اقتصادی سود می‌برند. تعدادی از آنان معتقدند که افزون بر آنها علم اقتصاد اسلامی نیز داریم. صاحب‌نظرانی نیز بر این باورند که قلمرو اقتصاد اسلامی شامل فلسفه، مکتب، نظام، نهاد و حقوق است. همچنین آرای دیگر.

برخی صاحب‌نظران نیز در کشف این آموزه‌ها روش‌هایی را ارائه داده‌اند. اختلاف در روش دست‌یابی این آموزه‌ها هم به نوع روش‌ها و هم در مفاهیم واژه‌ها فراوان است.<sup>۱</sup> هر یک از محققان بعد از برداشت اجمالی یا تفصیلی خود از آموزه‌ها و قلمرو اقتصاد اسلامی، روش کشف آن را بیان کرده‌اند. بررسی هر یک از محورهای پیشین، تحقیقات عمیق و گسترده‌ای را می‌طلبد. با بررسی گفتار محققانی که درباره آموزه‌ها و قلمرو اقتصاد اسلامی بحث کرده‌اند و نیز با مراجعه به منابع تاریخ عقاید اقتصادی به این نتیجه می‌رسیم که آموزه‌های اقتصاد اسلامی (همانند آموزه‌های اقتصادی سایر مکاتب اقتصادی) به انواع ذیل قابل تقسیم هستند:

### ۱. مبانی اعتقادی

آموزه‌هایی هستند که بیانگر جهان‌بینی حاکم بر رفتارهای اقتصادی و زیربنا و تکیه‌گاه فکری و نظری مکتب اسلام درباره آموزه‌های اقتصاد اسلامی است. موضوع این آموزه‌ها، خدای متعال و صفات او، جهان هستی، انسان و جامعه است. آن دسته از آموزه‌هایی که در رفتارهای اقتصادی تأثیر داشته باشد، در اقتصاد مورد توجه قرار می‌گیرد. مثال‌هایی درباره مقوله‌های اساسی پیش گفته از این قبیل است: خداوند متعال خالق، مالک و رب جهان هستی و انسان‌ها است. هدایت تکوینی خداوند دائم و مستمر، و جهان تحت احاطه و قیومیت او است. خداوند متعال افزون بر هدایت تکوینی، هدایت تشریحی در تمام عرصه‌ها برای بشر دارد.

درباره جهان هستی گزاره‌هایی از این قبیل مورد توجه است: همه جهان هستی رو

---

۱. این دیدگاه‌ها و اختلاف‌های آنها در مقالات و گفت‌وگوهای کتاب ماهیت و ساختار اقتصادی اسلامی، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، آمده است.

به سوی خدا دارند؛ همه هستی برای بهره‌مندی انسان خلق شده است؛ جهان شامل دنیا و آخرت است؛ دنیا محل کشت و آزمایش و آخرت محل درو و پاداش است.

درباره انسان گزاره‌هایی از این دست در شمار آن دسته از معارف قرار دارند: انسان دارای دو بعد روح و جسم است؛ هدف از خلقت انسان تکامل روح و جسم او است؛ جسم انسان در مسیر تکامل، ابزاری در خدمت تکامل روح است؛ انسان خلیفه خدا روی زمین و مسئول در برابر خدای متعال است؛ انسان برای تکامل خود، افزون بر عقل، به وحی نیز نیاز دارد.

همچنین درباره جامعه گزاره‌های مربوط، عبارتند از: هم جامعه و هم فرد اصالت دارند؛ بر جوامع انسانی سنت‌های الهی حاکم است که توجه به آنها تأثیر فراوانی در جهت‌گیری‌های اقتصادی دارد.

## ۲. مجموعه‌ای از اصول و قواعد اساسی

این مجموعه، دستورهای کلی مبتنی بر مبانی اعتقادی و ارزشی جهت دستیابی به اهداف اقتصادی و حل مشکلات و معضلات آن هستند. همانند مالکیت مختلط (خصوصی و عمومی)، آزادی اقتصادی مسئولانه، حضور مسئولانه دولت در اقتصاد، توزیع عادلانه ثروت‌های اولیه و توزیع مجدد درآمدها، لزوم رعایت حق فرد و جامعه در تراحم مصالح فرد و جامعه و رقابت مسئولانه.

شایسته توجه است که اولاً این اصول و قواعد اساسی، محدود به آنچه ذکر شد، نیست. ممکن است برخی از اصول دیگر در ردیف آنها قرار گیرد. ثانیاً همه اینها لزوماً در عرض هم نیستند و چه بسا نوعی ترتب بین آنها وجود داشته باشد؛ برای مثال، حضور مسئولانه دولت زمانی پذیرفتنی است که آزادی اقتصادی مسئولانه، امری مسلم فرض شود؛ یا توزیع مجدد درآمدها بر فرض لزوم حضور مسئولانه دولت ممکن می‌باشد. ثالثاً این اصول نباید با هم ناسازگار باشند؛ به‌طور مثال نمی‌توان آزادی اقتصادی مطلق را همراه لزوم حضور مسئولانه دولت در اقتصاد پذیرفت.

## ۳. احکام اقتصادی

احکام و قوانین، در حوزه فعالیت‌های اقتصادی افراد، سازمان‌ها و دولت است. تعدادی از این احکام عبارتند از: حرمت ربا، اسراف، احتکار، کنز، انحصار، اتلاف، اضرار

به غیر، اتراف. همچنین احکام مربوط به بورس بازی، بازارهای مالی، اخذ مالیات، سیاست‌های تورم‌زا، جبران کاهش ارزش پول، بیمه و حکم انواع معاملات مثل بیع، اجاره، مضاربه، مساقات و... این احکام و قوانین از یک سو در مقایسه با آموزه‌های دسته دوم روبنا شمرده می‌شوند و از سوی دیگر بستر حقوقی استخراج الگوهای رفتاری هستند. این دسته از احکام، یا خود حکم تکلیفی الزامی هستند، مانند حرمت ربا و اسراف، یا احکام وضعی هستند که احکام تکلیفی الزامی را در پی دارند؛ برای مثال، وقتی گفته می‌شود بیع صحیح است، لازمه‌اش نقل و انتقال ثمن و مضمن می‌باشد و بعد از انتقال، حرمت تصرف برای بایع در مضمن و برای مشتری در ثمن ثابت می‌شود. احکام و قوانین اقتصادی جهت‌گیری فعالیت‌های اقتصادی افراد را به سمت اهداف اقتصادی تنظیم کرده، چارچوب سیاست‌های اقتصادی را پی می‌ریزد.

برخی از احکام اقتصادی در زمره احکام الزامی نیست؛ بلکه مستحبی و از شمار ارزش‌های اخلاقی در حوزه فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود؛ همانند زهد در مصرف، ایثار، صدقه، انفاق در راه خدا، قرض الحسنه. این دسته از احکام افزون بر نقش جهت‌دهی فعالیت‌های اقتصادی به سمت اهداف اقتصادی، باعث تهذیب نفس انسان و تکامل او به سمت خدای متعال هستند.

#### ۴. الگوهای رفتاری در سه حوزه تولید، توزیع و مصرف

الگوهای اقتصادی، بیان و نمایش ساده روابط اقتصادی بین مردم، بین مردم و منابع، و بین مردم و دولت است. بنابراین، این الگوها فعالان اقتصادی (دولت و مردم) را به هم و به منابع ارتباط می‌دهند و فعالیت‌های اقتصادی را به سوی اهداف اقتصادی رهنمون می‌شوند. این الگوها در بستر اصول و قواعد اساسی و احکام اقتصادی شناخته شده، استنباط و استخراج می‌شوند. این الگوها عبارتند از الگوی مصرف، الگوی پس انداز و سرمایه‌گذاری، الگوی عرضه و تقاضای بازار کالا و خدمات، الگوی عرضه و تقاضای بازار عوامل و... آنچه از الگوهای اقتصادی بیان شد، الگوهای دستوری است که از منابع استنباط کشف و استخراج می‌شوند. در کشف این الگوهای دستوری سه عنصر انگیزه رفتار، قواعد رفتاری و محدودیت رفتاری باید از منابع استنباط، کشف شوند تا الگوهای دستوری ارائه گردند. نوع دیگر الگوهای اقتصادی، الگوهای اقتصادی اثباتی است. بعد از تثبیت

باورهای اعتقادی، حاکمیت اصول و قواعد اساسی در عرصه اقتصادی، و عمل و اجرای احکام اقتصادی در جهت وصول به اهداف اقتصادی اسلام، بستر کشف این الگوها فراهم می‌شود. با کشف سه عنصر انگیزه رفتار اقتصادی، محدودیت‌ها، و قواعد رفتاری می‌توان به الگوهای اثباتی دست یافت.

شایسته توجه است که در آیات قرآن و روایات معصومین (ع) روابط علی و معلولی فراوانی بین امور معنوی و پدیده‌های اقتصادی به عنوان یک قانون آمده است. از باب مثال به ذکر چند نمونه آن اکتفا می‌شود:

لان شکرتم لازیدنکم؛ اگر شکر گزار نعمت‌های الهی باشید، بر نعمت‌های شما می‌افزایم.

انظهار الحرص یورث الفقر؛ حرص ورزیدن باعث فقر می‌شود.

البر و الصدقة السر ینغیان الفقر؛ نیکی و صدقه پنهانی، فقر را نابود می‌کند.

این‌گونه آیات و روایات، قابل انکار نیست و هر مسلمان معتقدی آنها را خواهد پذیرفت، ولی این امور در زمره مبانی اعتقادی هر مسلمانی قرار می‌گیرد و نباید در چارچوب دانش تجربی جای گیرد؛ بلکه متصدیان نظام اقتصاد اسلامی باید با سیاست‌های تبلیغی و تشویقی مناسب مردم را به ایجاد علل پدیده‌های امور نیک و محو علل پدیده‌های امور شوم اقتصادی سوق دهند تا پیامدهای امور نیک در جامعه نمایان و پیامدهای امور شوم از جامعه رخت برینند.

این چهار دسته آموزه‌ها در عرصه اقتصاد اسلامی دارای ویژگی‌های زیراند:

الف. دسته اول زیربنا و بستری برای دسته دوم است و همین‌طور دسته دوم برای دسته سوم و دسته سوم برای دسته چهارم؛

ب. هر دسته از این آموزه‌ها با سایر آموزه‌ها همسویی و همخوانی دارند و هیچ‌گاه نباید بین دسته‌ای از آموزه‌ها با سایر دسته‌ها ناسازگاری و تنافی وجود داشته باشد؛

ج. میان آموزه‌های هر دسته نیز باید هماهنگی وجود داشته باشد؛

د. تمام یا بخش اعظم این آموزه‌ها از عقل و وحی (قرآن) و سنت معصومان (ع) استنباط و استخراج می‌شوند.

چهار دسته آموزه‌های پیش‌گفته با توجه به ویژگی‌های بیان شده در جهت تحقق یک سری اهداف اقتصادی در جامعه، شناسایی و ساماندهی می‌شوند؛ در نتیجه دسته پنجم آموزه‌ها نیز مورد توجه است.

## ۵. اهداف اقتصادی

اهداف اقتصادی، نقطه‌های مطلوب و خواسته‌هایی هستند که هر فعال اقتصادی، فعالیت‌های اقتصادی خود و کل نظام اقتصادی، راهبردها و سیاست‌های اقتصادی نظام را برای دستیابی به آن سامان می‌دهد. این اهداف در سطح کلان از قبیل رفاه عمومی، عدالت اقتصادی و امنیت اقتصادی و رشد اقتصادی است، و در سطح خرد به صورت هدف سرمایه‌گذار و تولیدکننده و نیز هدف مصرف‌کننده مطرح است؛ برای مثال گفته می‌شود: هدف تولیدکننده حداکثر کردن مجموع سود دنیایی و آخرتی و هدف مصرف‌کننده بیشینه کردن مجموع مطلوبیت دنیایی و آخرتی است.<sup>۱</sup>

در تأیید برداشت ما از آموزه‌های اقتصادی اسلام می‌توان به بسیاری از نوشته‌های محققان اقتصاد مراجعه کرد. محققان اقتصادی هنگامی که به بررسی آموزه‌های نظام‌های اقتصادی می‌پردازند، هیچ‌گاه در یک بررسی جامع به برخی از پنج نوع آموزه پیشین بسنده نمی‌کنند؛ بلکه از لابه‌لای تحقیقات آنها هر پنج دسته آموزه پیش گفته آشکار می‌شود. منابعی که به بحث از تاریخ عقاید اقتصادی پرداخته‌اند، گواه روشنی بر این مطلب هستند؛ البته هنگام اطلاق نظام اقتصادی، نمود و تبلور آن در دسته دوم از آموزه‌های پیش گفته، بیشتر آشکار می‌شود. این امر بدان سبب است که دسته دوم از آموزه‌ها جنبه راهبردی برای تمام سیاست‌ها و برنامه‌های اقتصادی هر نظامی دارد و هرگاه واژه نظام اقتصادی با پسوند سرمایه‌داری یا سوسیالیسم یا اسلام به کار برده شود، بیشتر، راهبردهای آن به ذهن خطور می‌کند (عسان محمود ابراهیم و منذر قحف، ۱۳۸۱، ص ۹۴).

در ادامه، ابتدا آرای برخی اندیشه‌وران و فقیهانی را که قلمرو اقتصاد اسلامی و روش کشف آن را براساس مبانی فقه اسلام ارائه داده‌اند، بیان و بررسی می‌کنیم؛ آن‌گاه روش‌هایی برای کشف آموزه‌های پنجگانه پیشین که مطابق با مبانی فقه اسلام باشد، تبیین می‌شود. در این بررسی ابتدا دیدگاه حداقلی درباره قلمرو اقتصاد اسلامی مطرح و بررسی می‌شود؛ آن‌گاه دیدگاه شهید صدر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ سپس روش ترکیب در کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی تبیین می‌گردد.

---

۱. آموزه‌های اقتصاد اسلامی که در اینجا بیان شده است، الهام گرفته از نوشته‌های آقای سیدحسین میرمعزی است. ر. ک: نظام اقتصادی اسلام (مبانی فلسفی)؛ نظام اقتصادی اسلام (مبانی مکتبی)؛ نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه‌ها)، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



## اقتصاد اسلامی به معنای مبانی ثابت

برخی اندیشه‌وران اسلامی بر این باورند که اسلام به ارائه مبانی و کلیات در عرصه اقتصادی بسنده کرده است و سیستم اقتصادی بر اساس اوضاع زمانی و مکانی و مصالح متفاوت، تفاوت خواهد داشت؛ چنان که سیستم نظامی و سیاسی امروز ما با سیستم نظامی و سیاسی زمان پیامبر فرق دارد؛ بنابراین، اسلام فقط در مبانی اقتصادی، احکام تأسیسی دارد؛ یعنی فقط مبانی را ارائه داده است، اما در سیستم هیچ گونه تأسیسی ندارد. باید سیستم‌های گوناگون اقتصادی دنیا مطالعه شود و بهترین سیستم یا ترکیبی از سیستم‌های دنیا را که با اوضاع زمانی و مکانی ما سازگاری داشته باشد، و نیز با مبانی تأسیسی ما مخالف نباشد، انتخاب و در جامعه اجرا کنیم. یکی از اندیشه‌وران اسلامی در این باره می‌گوید:

اسلام در هر بعدی از ابعاد زندگی، اعم از اقتصادی و غیراقتصادی، مبانی ارائه داده است...؛ مبانی، اصول کلی‌ای است که تابع شرایط زمان و مکان نیست؛ مثل اینکه مصرف نباید به حد اسراف و تبذیر برسد؛ اما سیستم، طرح و برنامه بر اساس شرایط زمان است که نباید در تعارض و مخالف با مبانی اسلامی باشد. بعد از اینکه مبانی شناخته شد، متخصصان اقتصاد می‌توانند بر اساس آن، سیستم‌های گوناگونی را در شرایط مختلف زمانی و مکانی طراحی کنند... اسلام... سیستم اقتصادی خاصی را مطرح نکرده است. تأسیس در مبنا درست است؛ اما در سیستم خیر... حکومت اسلامی، نظام‌های دنیا را مطالعه می‌کند؛ سیستم‌های گوناگون اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد و سیستمی را که با شرایط ما سازگاری دارد یا ترکیبی از سیستم‌های اقتصادی دنیا را که با شرایط زمانی و مکانی ما سازگاری داشته باشد، همچنین مخالف با مبانی شرعی نباشد، انتخاب می‌کند و در جامعه اسلامی پیاده می‌نماید (معرفت، ۱۳۷۹، ص ۲۸۵ - ۲۹۳).

چون بحث اصلی ما در این نوشتار بررسی روش‌های کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی هماهنگ با مبانی فقه اسلام است، در این گفتار به دو روش مهم «امضا» و «تأسیس» اشاره شده است. این دو روش، در ادامه در نظریه ترکیب و جایگاه هر یک کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما به چند نکته در ذیل گفتار

این فقیه محقق اشاره می‌شود:

۱. مقصود ایشان از واژه «مبانی» چندان مشخص نیست؛ اما باتوجه به مثالی که از مبانی ارائه می‌دهد، به نظر می‌رسد مقصودشان از مبانی، احکام ثابت است. اما، این احکام تأسیسی نیستند؛ بلکه امضایی می‌باشند. شاید آنچه در گفتار ایشان آمد، فقط اشتباه در گفتار باشد.

یقیناً علاوه بر احکام اقتصادی، مبانی اعتقادی و ارزشی نظام اقتصادی اسلام در شمار آموزه‌های اقتصاد اسلامی است. در مباحث آتی معلوم می‌شود که این مبانی، تأسیسی هستند نه احکام اقتصادی ثابت.

۲. منظور ایشان از سیستم، طرح و برنامه براساس شرایط زمان است که متعارض با مبانی نباشد. اگر منظور از سیستم این باشد، نباید روش امضا را در انتخاب سیستم مناسب برای اسلام، استفاده کرد. طرح و برنامه باید متناسب با شرایط زمان باشد؛ اما براساس مبانی تأسیسی شناخته شده و نیز براساس احکام اقتصادی امضایی کشف شده باید نظام اقتصادی شناخته شده را طراحی کرد نه آنکه سیستم‌های دنیا یا ترکیبی از آنها را به عنوان سیستم اقتصادی انتخاب کنیم. البته برای طراحی سیستم اقتصاد اسلامی شناخته شده جهت اجرا باید از تجربه اجرای سیستم‌های دنیا بهره‌مند شد. این امر، به معنای بهره‌مندی از روش امضا نیست.

#### اقتصاد اسلامی به معنای مذهب اقتصادی (نظریه شهید صدر)

شهید صدر (ره) برای اقتصاد اسلامی گستره و قلمرو خاصی قائل است و بر آن اساس روش خاصی برای کشف آن در پیش می‌گیرد. ایشان تصریح می‌کند: «مقصود ما از اقتصاد اسلامی، مذهب اقتصادی است نه علم اقتصاد.» (صدر، ۱۴۰۱، ص ۱۵۱ و ۱۷۹)

اما مذهب اقتصادی نزد شهید صدر (ره) چه تعریفی دارد. ایشان چند گفتار در این باره دارد که به نظر می‌رسد در مجموع به یک مفهوم اساسی و کلی بر می‌گردد. برخی عبارت‌های ایشان در تفسیر مذهب اقتصادی به این قرار است:

مذهب اقتصادی برای جامعه عبارت است از: روشی که جامعه در زندگی اقتصادی و حل مشکلات عملی، آن را بر می‌گزیند (همو، ۱۳۷۵، ص ۳۹۵).

مقصود ما از مذهب اقتصادی، ایجاد اسلوبی برای تنظیم زندگی اقتصادی مطابق با عدالت است (همو، ۱۴۰۱، ص ۱۳۸).

در این دو بیان، شهید صدر مذهب اقتصادی را روش و اسلوبی برای رفع مشکلات اقتصادی معرفی می‌کند. البته در بیان دوم تعبیر «وفقاً للعدالة» را اضافه می‌نماید. ایشان در دو جای دیگر از کتاب اقتصادنا دو تعبیر ذیل را برای تفسیر مذهب اقتصادی ارائه می‌دهد:

مذهب اقتصادی شامل هر قاعده‌آسایی در زندگی اقتصادی است که مرتبط با عدالت اجتماعی باشد. (همو، ۱۳۷۵، ص ۳۶۲)

مذهب اقتصادی، مجموعه‌ای از نظریات اساسی است که مشکلات زندگی اقتصادی را حل می‌کند. (همان، ص ۳۶۵)

تفاوت ظاهری دو دسته بیان ایشان در این است که در دسته اول مذهب را به روش ایجاد و اسلوب تفسیر می‌کند و در دسته دوم به قاعده یا نظریه اساسی. اما به نظر می‌رسد هر قاعده و نظریه اساسی نوعی روش و اسلوب را معرفی می‌کند. بنابراین، دو دسته تعریف به یک معنا اشاره دارد. مثال‌های ایشان روشن می‌سازد که مقصود وی از مذهب اقتصادی اسلام، نظر اسلام درباره امور از قبیل مالکیت، آزادی اقتصادی، عدالت اقتصادی، دخالت دولت در اقتصاد و... است (همان، ص ۳۶۱-۳۶۵).

ایشان این امور را امور زیر بنایی معرفی می‌کند؛ اگرچه در فقه مرسوم و متداول موجود از همه این امور بحث نمی‌شود. بنابراین، با روش مرسوم استنباط در فقه، نمی‌توان به اقتصاد اسلامی دست یافت. مذهب اقتصادی نیز بر پایه افکار و مفاهیم معینی بنیان نهاده شده است. این بنیان‌ها ممکن است اخلاقی، علمی، فلسفی و... باشد. شهید صدر (ره) در این باره می‌نویسد:

و لا شك فی ان اختیار طریقه معینة لتنظیم الحیاة الاقتصادية لیس اعتباراً مطلقاً، و انما یقوم دائماً علی اساس افکار و مفاهیم معینة، ذات طابع اخلاقی او علمی او ای طابع آخر. و هذه الافکار و المفاهیم تكون الرصيد الفکری للمذهب الاقتصادي القائم علی اساسها (همان، ص ۴۵)؛ بدون تردید گزینش روش معینی برای سامان دادن به زندگی اقتصادی، دل‌بخواهی نیست؛ بلکه بر اساس نظریات و مفاهیم معین با ویژگی اخلاقی،

علمی یا ویژگی دیگر است. این افکار و مفاهیم بنیانی، موجب اعتبار نظری برای مذهب اقتصادی است که بر آن افکار و مفاهیم بنیان می‌شود.

از سوی دیگر مذهب اقتصادی یک نوع اساس و قاعده نظری برای وضع قوانین مدنی در عرصه اقتصادی است: «کون المذهب قاعدة نظرية للقانون.» (همان، ص ۳۶۶) بنابراین، سه مرحله اساسی در عرصه اقتصادی مترتب بر هم وجود دارد: ۱. نظریات و مفاهیم اساسی اخلاقی، فلسفی، علمی و...؛ ۲. مذهب اقتصادی؛ ۳. قانون مدنی. مقصود از اقتصاد اسلامی مذهب اقتصادی اسلام، یعنی مرحله دوم از مراحل سه گانه است.

### روش کشف مذهب اقتصادی

شهید صدر (ره) بین روش کشف مذهب اقتصادی اسلام و سایر مکاتب بشری فرق می‌گذارد. او روش کشف مذهب اقتصادی مکاتب بشری را روش تکوین و ابداع (حرکت از زیربنا به روبنا) و روش کشف مذهب اقتصادی اسلام را روش اکتشاف (حرکت از روبنا به زیربنا) نام گذاشته است. بنابراین، وی دو روش کلی برای کشف مذهب اقتصادی ارائه می‌دهد:

#### ۱. روش تکوین و ابداع (حرکت از زیربنا به روبنا)

مذهب اقتصادی نتیجه طبیعی نوع نگاه محقق اقتصادی به عالم هستی و مقوله‌های اساسی آن است. یعنی هر محقق اقتصادی بر اساس دیدگاه خود درباره عالم هستی و مقوله‌های اساسی آن، تلقی خویش را از آنها سامان می‌دهد و بر پایه آنها مذهب اقتصادی را استنباط می‌کند و مترتب بر مذهب اقتصادی، احکام و قوانین اقتصادی را برای فعالیت‌های اقتصادی خرد و کلان وضع می‌نماید. بنابراین در روش تکوین و ابداع، حرکت علمی و تحقیقی از بنیان‌ها و زیربناها به فروع و روبناها است؛ حرکت از مرحله اول - از سه مرحله پیشین - به سمت مرحله دوم است (همان، ص ۳۶۹ - ۳۷۲).

به عنوان نمونه، مذهب اقتصادی مارکسیسم بر اساس دیدگاه مارکسیسم و ماتریالیسم تاریخی شکل گرفت. مارکسیسم بر اساس این دیدگاه به الغای مالکیت خصوصی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی معتقد شد و اعلام کرد که هر کس باید

به‌حسب توان و قدرت خود کار کند و به مقدار نیاز خود بهره‌بردار (همان، ص ۲۱۷). برعکس مارکسیسم، در نظام سرمایه‌داری لیبرال، مالکیت خصوصی و آزادی اقتصادی دو رکن اساسی مذهب اقتصادی است که براساس نوع تفسیری که از انسان و جامعه دارد، شکل گرفته است (همان، ص ۲۴۴ - ۲۴۶). بنابراین، محقق در نظام اقتصادی سرمایه‌داری لیبرال و مارکسیسم باید از روش تکوین و ابداع برای کشف مذهب اقتصادی خود بهره‌بردار.

## ۲. روش اکتشاف (حرکت از روبنا به زیربنا)

شهید صدر (ره) این روش را به‌عنوان مهم‌ترین روش تحقیق اقتصاد اسلامی و کشف مذهب اقتصادی می‌داند. محقق اقتصاد اسلامی در مرحله سوم از مراحل پیش‌گفته قرار دارد، یعنی با احکام و قوانین مدنی وضع شده در عرصه فعالیت‌های اقتصادی مواجه است. قانون مدنی چهره روبنایی مذهب اقتصادی است. قانون مدنی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر مذهب اقتصادی است. بنابراین، محقق اقتصاد اسلامی با جمع‌آوری احکام و قوانین مدنی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی و تنظیم و تنسيق آنها می‌تواند به قواعد اساسی و طرقی که می‌توان مشکلات اقتصادی را مطابق با اندیشه عدالت حل کرد، دست‌یابد. البته محقق از این طریق می‌تواند بخش اعظم مذهب اقتصادی را به دست آورد (همان، ص ۳۶۹ - ۳۷۲). شهید صدر (ره) روش اکتشاف و تکوین را این‌گونه مقایسه می‌کند:

التدرج فی عملية تکوین البناء، تدرج طبیعی من الأساس الی التفریعات، و من القاعدة الی البناء العلوی... و اما فی عملية الإکتشاف للمذهب الاقتصادي، فقد ینعکس السیر و یختلف المنطلق (همان، ص ۳۶۹)؛ حرکت در روش ساختن ساختمان، حرکت طبیعی از پایه به فروع و از زیربنا به روبنا است... اما در روش اکتشاف مذهب اقتصادی، حرکت برعکس و نقطه شروع برخلاف روش تکوین است.

با توجه به اینکه شهید صدر (ره) مسیر طبیعی کشف مذهب اقتصادی را روش تکوین یا حرکت از زیربنا می‌داند، چرا روش اکتشاف یا حرکت از روبنا به زیربنا را برای دستیابی به مذهب اقتصادی اسلام پیشنهاد می‌کند؟ پاسخ این پرسش در نوشته‌های

شهید صدر (ره) چنین آمده است: نصوص موجود در کتب روایی، منبع اصلی استنباط و استخراج مذهب اقتصادی اسلام هستند. هنگام مراجعه مستقیم به نصوص برای یافتن پاسخ‌های اساسی درباره مذهب اقتصادی می‌بینیم که نمی‌توان مستقیماً پاسخ‌ها را از نصوص یافت. مثلاً برای پاسخ این پرسش که اسلام مالکیت خصوصی را پذیرفته یا مالکیت عمومی را، یا منشأ مالکیت خصوصی، نیاز است یا کار و یا آزادی، نمی‌توان از نصوص موجود پاسخ روشنی یافت.

ان بعض جوانب المذهب الاقتصادي فی الإسلام، وان كان بالإمكان استنباطها مباشرة من النصوص، ولكن هناك من النظريات والأفكار الأساسية التي يتكون منها المذهب الاقتصادي، ليس من الميسور الحصول عليها في النصوص مباشرة و إنما يتعين الحصول عليها بطريق غير مباشر، أي: على أساس اللبنة الفوقية في الصرح الإسلامي، و على هدى الأحكام التي نظم بها الإسلام العقود والحقوق (همان، ص ۳۷۱ و ۳۷۲).

برخی ابعاد مذهب اقتصادی اسلام، به گونه مستقیم از نصوص ممکن است، اما در بسیاری از نظریات و اندیشه‌های اساسی که مذهب اقتصادی از آنها سامان می‌یابد، به گونه مستقیم امکان دستیابی به آنها از نصوص وجود ندارد. بنابراین، تنها راه دستیابی به آنها از طریق غیر مستقیم است، یعنی بر پایه سنگ بنای فوقانی در عرصه اسلامی و با توجه به احکامی که اسلام عقود و حقوق را بر پایه آنها نظم داده است.

بنابراین، راه دیگری برای محقق اقتصاد اسلامی باز است؛ چرا که احکام و قانون مدنی بر پایه مذهب اقتصادی که برای ما مجهول است، قرار گرفته‌اند. قانون مدنی، آثار، ظهور، بروز و نمود مذهب اقتصادی است؛ پس می‌توان از قانون مدنی به مذهب اقتصادی دست یافت (همان، ص ۳۷۱).

این مذهب اقتصادی باید دارای قوی‌ترین و تواناترین عناصر در حل مشکلات اقتصادی و تحقق بخشیدن به اهداف عالی اسلام باشد. اما آیا احکامی که یک مجتهد استنباط می‌کند، انسجام کافی را برای کشف مذهب اقتصادی با ویژگی‌های پیش گفته خواهد داشت؟

شهید صدر (ره) در پاسخ به این پرسش مهم می‌گوید: یقیناً احکام در عالم واقع برای امر فوق انسجام کافی دارند، اما در عالم اثبات ممکن است بین احکام مستنبط مجتهد، انسجام کافی برای اکتشاف مذهب اقتصادی وجود نداشته باشد. بنابراین، مجتهد نمی‌تواند از همه فتاوی خود به مذهب اقتصادی دست یابد و در نتیجه این پرسش باقی است که محقق اقتصاد اسلامی برای کشف مذهب اقتصادی با ویژگی پیش گفته چه راه دیگری در پیش دارد.

در این هنگام تنها راه صحیح آن است که محقق اقتصاد اسلامی در موارد ناهماهنگ از احکام مستنبط سایر مجتهدان کمک بگیرد؛ بدین نحو که احکام مستنبط خود را که در جهت اکتشاف مذهب اقتصادی با سایر احکام مستنبط خود ناهماهنگ است، کنار بگذارد و به جای آن، احکام هماهنگ استنباط شده سایر مجتهدان را قرار دهد. این مجموعه به دست آمده ممکن است بیشترین هماهنگی و انطباق را با واقع تشریح اسلامی داشته باشد؛ زیرا از روش اجتهاد اسلامی که بیشترین استناد را به کتاب و سنت دارد، کشف شده است (همان، ص ۳۶۹-۴۰۶).

#### ملاحظات ناظر به روش شهید صدر (ره)

شهید صدر (ره) بر اساس تعدد فتاوی مجتهدان گوناگون دست به گزینش می‌زند و فتاوی را که دارای انسجام کافی و نیز تواناترین عناصر برای حل مشکلات اقتصادی و دست‌یابی به اهداف اسلامی باشند، انتخاب می‌کند. این مذهب اقتصادی از نظر شهید صدر (ره) بیشترین استناد را به کتاب و سنت دارد و ممکن است بیشترین انطباق را با واقع تشریح اسلامی داشته باشد.

اولاً، فتاوی هر مجتهدی با توجه به مبانی اجتهادی وی، برای خود او عندالله حجت است. اما به چه دلیلی این مجموعه هماهنگ به نام مذهب اقتصادی که از فتاوی مجتهدان متفاوت به دست آمده می‌تواند، حجت عندالله باشد؟ نیز به چه دلیل، مجتهدی باید از برخی فتاوی خود صرف نظر کند و از فتاوی سایر مجتهدان که مخالف با فتاوی او است و آن را منتسب به اسلام نمی‌داند استفاده کند؟

ثانیاً، تردیدی نیست که شهید صدر (ره) به مذهب اقتصادی در عالم واقع اعتقاد دارد. پس چگونه می‌توان چنین مذهبی را در اقتصاد به اسلام منتسب کرد؟

ثالثاً، اگر انتخاب فتاوی‌سایر مجتهدان به نحوی باشد که در نهایت، مذهب اقتصادی دارای تواناترین عناصر در حل مشکلات اقتصادی و دست‌یابی به اهداف، معیار باشد، در این صورت اهداف اقتصادی را باید کشف نمود و در صورتی که هر دلیل شرعی با آن اهداف ناسازگار باشد، باید اهداف مقدم شوند. در این حال، برای کشف آن مذهب اقتصادی که دارای تواناترین عناصر منسجم باشد، نیازی به استفاده از روش پیشین و بهره‌برداری از فتاوی‌فقه‌های متعدد نیست.

به نظر می‌رسد، اگر اشکال اول پاسخ روشنی پیدا کند، دو اشکال بعدی مرتفع می‌شود؛ چرا که دو اشکال بعدی به تبع پذیرش اشکال اول متوجه ایشان است. اما آیا راهی برای تصحیح حجیت مذهب اقتصادی یا برخی قواعد اساسی مذهب اقتصادی وجود دارد؟ در ادامه بحث، پاسخ این پرسش روشن خواهد شد.

### حجیت مذهب اقتصادی

پیش از پاسخ به پرسش پیشین، ابتدا باید پاسخ این پرسش داده شود که آیا مباحثی همانند مباحث نظام اقتصادی اسلام، به ویژه مذهب اقتصادی به مفهومی که شهید صدر (ره) بیان می‌کند، نیازمند حجت عندالله است؟ یعنی همان گونه که خبر واحد عادل در استنباط احکام فرعی فقهی حجت است، در مباحث نظام هم همین گونه است؟ آیا در مباحث کشف مذهب اقتصادی باید از روش‌ها و ابزارهایی استفاده کرد که حجیت آنها همانند خبر واحد عادل اثبات شده باشد، یا از روش‌هایی همانند استحسان و قیاس و... می‌توان بهره‌جست؟ به تعبیر فنی اصولی، آیا از ظن غیر معتبر نیز می‌توان بهره‌جست؟ دیدگاهی در این باره مطرح است که می‌گوید مباحث نظام اقتصادی نیاز به حجیت ندارد. اما نویسنده این نوشتار بر این باور است که مباحث مربوط به روش کشف آموزه‌های اقتصادی اسلامی نیز نیازمند حجیت هستند تا جایز باشد براساس آنها عمل نمود. این دیدگاه در تبیین نظریه ترکیب بیان خواهد شد. در اینجا، دیدگاه عدم نیاز به حجیت، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### دیدگاه عدم نیاز به حجیت در مباحث نظام اقتصادی

برخی فقیهان و اندیشمندان اسلامی، آن‌گاه که روش شهید صدر (ره) در کشف مذهب



اقتصادی روش اکتشاف مورد پرسش و تردید قرار گرفت، مدعی شدند: مباحث مربوط به نظام و سیستم بر خلاف عمل افراد نیاز به حجیت ندارند و چون در مباحثی همانند کشف مذهب اقتصادی در صدد کشف واقع نیستیم، بنابراین، ولی فقیه حق دارد حتی از ظنون غیرمعتبر که از راه مصالح مرسله و امثال آن به دست می آید، استفاده کند (یوسفی، ۱۳۷۹، ص ۶۸ و ۷۸).

### توضیح این دیدگاه

بهترین توضیح این دیدگاه، نقل عبارت‌هایی از طرفداران آن است. در پرسش و پاسخی که از محمدعلی تسخیری درباره حجیت روش شهید صدر (ره) در کشف مذهب اقتصادی اسلام به عمل آمد، ایشان به نکاتی اشاره کردند که در روشن شدن این دیدگاه مفید است. به همین سبب اصل پرسش و پاسخ ایشان در ذیل نقل می‌شود:

پرسش: شهید صدر (ره) برای کشف قواعد مکتبی، از میان فتاوی فقهای مختلف فتاوی را بر می‌گزیند که منسجم و هماهنگ با هم باشند تا بتوان یک اصل مکتبی را از آنها کشف کرد. به نظر می‌رسد در این روش... اشکال [ذیل] وجود داشته باشد:

دلیلی وجود ندارد که آنچه از این طریق کشف می‌شود، در واقع مطابق با مذهب اقتصادی اسلام باشد؛ یعنی این روش کاشف از واقع نیست. افزون بر این، از نظر شرعی حجیت ندارد، زیرا هر فقیهی براساس مبانی مورد قبول خود فتوا داده است و فرض بر این است که کشف براساس فتاوی یک فقیه نیست.

پاسخ: در پاسخ اشکال عرض می‌کنم: اولاً ما دنبال عمل افراد نیستیم تا صحبت از حجیت کنیم، بلکه به دنبال ارائه یک سیستم و نظام هستیم، و نیاز نداریم که این حجت باشد. برای شرع همین کافی است که ثابت شود آن در چارچوب اسلام است و به لحاظ اینکه اولاً تمام این فتواها از طریق اجتهاد و روش صحیح استخراج شده‌اند و ثانیاً دارای انسجام و هماهنگی هستند، ولی امر می‌تواند زیر بنا را از آنها کشف کند و آن را به اسلام نسبت بدهد. ولی امر می‌تواند فتوای خودش را که برای مقلدینش حجت است،

معیار قانون جامعه قرار دهد؛ همان کاری که امام انجام داد که ایشان تحریر الوسیله را زیر بنای تشکیل شورای نگهبان ... قرار داد. همین طور، ولی امر وقتی به یک سیستمی برسد و بفهمد که در چارچوب اسلام است، دستور تحکیم این سیستم را می‌دهد. برخی از فتاوایی هم که کاشفات این سیستم بوده، فتوای خودش نبوده است، اما از مجموع این احکام به این سیستم رسیده است. اینجا او حکم ولایی می‌دهد و حکم ولایی چون ابداعی است و ایجاد است کاشف نیست، بلکه ایجاد سیستم است براساس آن بینش اسلامی... بنابراین، قاعده‌ای که به عنوان زیر بنا کشف می‌شود، نه برای مجتهد حجت است و نه برای ولی امر، اما ولی امر می‌تواند به عنوان مصلحت جامعه، به عنوان یک روش مطرح کند... بنابراین، باید بین حجیت و احکام ولایی فرق گذاشت (همان، ۱۳۷۹، ص ۷۸ و ۷۹).

سید کاظم حایری، برای دفاع از روش شهید صدر (ره) در پاسخ به این پرسش که «آیا به نظر شما ولی فقیه حق استفاده از مصالح مرسله و امثال آن را دارد، اما فقیهان دیگر ندارند؟» می‌گوید: «در صورتی که راه بهتری پیدا نکند، حق دارد، اما فقیهان دیگر چنین حقی ندارند، زیرا فقیه کارش کشف واقع است.» (همان، ص ۶۸).

محورهای اصلی این اظهارات به نحو ذیل خلاصه می‌شود:

۱. در نظام‌سازی اقتصادی به دنبال عمل افراد نیستیم، بنابراین حجیت یا عدم حجیت معنا ندارد. از این رو، وقتی فتاوای فقیهان از طریق اجتهاد صحیح استنباط شود، حاکم شرع حق دارد زیربنا را از آنها کشف کند و مبنای عمل قرار دهد.

۲. حاکم شرع می‌تواند در کشف زیربناها از ظن غیر معتبر همانند مصالح مرسله، استحسان و قیاس استفاده نماید.

۳. حاکم شرع درباره زیربناها حکم ولایی می‌کند و حکم ولایی ابداعی و ایجاد است و کاشف از واقع و نفس الامر نیست. بنابراین بحث حجیت درباره آن مطرح نیست.

#### نقد این دیدگاه

درباره هر یک از این سه مطلب، باید نکاتی مورد ملاحظه قرار گیرد. مقصود این

افراد از نظام اقتصادی در دفاع از نظریه شهید صدر (ره)، همان مذهب اقتصادی در گفتار ایشان است. این قواعد اساسی به گونه‌ای است که افزون بر ارتباطشان با عمل افراد و شخصیت‌های حقیقی، در برگیرنده رفتارهای نهادهای قانونی و شخصیت‌های حقوقی نیز می‌باشد. از باب مثال، وقتی می‌گوییم یکی از قواعد اساسی مذهب اقتصادی اسلام، مالکیت مختلط است و مالکیت خصوصی جایز است، این قاعده کاملاً حکم رفتار افراد را در باره اکتساب ثروت و دارایی بیان می‌کند و بالملازمه حکم عدم جواز تصرف دیگران و از جمله نهاد دولت و سایر نهادها را در ثروت و دارایی افراد بیان می‌نماید. یا هنگامی که کشف کنیم یکی از قواعد اساسی مذهب اقتصادی اسلام، آزادی اقتصادی نامحدود نیست، بلکه محدود به حدودی است که خدای متعال تعیین کرده است، در واقع بدین وسیله حکم رفتار اقتصادی تمام افراد و نهادهای حقوقی جامعه را بیان کرده‌ایم. یعنی افراد مجاز نیستند با عمل اقتصادی خود به دیگران زیان برسانند، اگر تملک دارایی افراد مضر به حال جامعه و مردم و موجب فساد در جامعه باشد، جایز نیست و... بنابراین، در بحث نظام‌سازی، هر قاعده اساسی در مذهب اقتصادی آن‌چنان میدان وسیعی دارد که شامل عمل افراد، دولت و سایر نهادها و سازمان‌ها نیز می‌شود.

بنابراین، در بحث کشف نظام، قواعد اساسی‌ای که از روتناها (احکام و قوانین اقتصادی) کشف می‌شود، باید همانند خود احکام اقتصادی عندالله حجت باشد، و گرنه نمی‌تواند مبنای عمل و سیاست‌های اقتصادی دولت قرار گیرد.

مطلب دوم با پذیرش دو امر صحیح است:

الف. مذهب اقتصادی اسلام امر ضروری برای مردم و جامعه اسلامی باشد، به طوری که رفتارهای اقتصادی مردم و سیاست‌های اقتصادی ضرورتاً باید بر مبنای مذهب اقتصادی شکل گیرد، و گرنه مردم و نهاد سیاست‌گذار معاقب عندالله خواهند بود.

ب. از طریق علم یا علمی (ظن معتبر) نتوانیم مذهب اقتصادی اسلام را کشف کنیم. به عبارت دیگر، در کشف مذهب اقتصادی اسلام با انسداد باب علم و علمی (ظن معتبر) مواجه باشیم.

اگر این دو امر را بپذیریم، می‌توان پذیرفت که حاکم شرع حق دارد در کشف زیربناها و مذهب اقتصادی از ظن غیر معتبر بهره‌مند گردد. اما هیچ دلیلی وجود ندارد که سایر فقیهان چنین حقی نداشته باشند.

به نظر می‌رسد امر اول قابل قبول باشد، ولی راه کشف مذهب اقتصادی، بلکه فراتر از آن، راه کشف سایر آموزه‌های اقتصادی اسلام مسدود نیست و می‌توان از طریق علم یا علمی آن را کشف نمود. ما در ادامه با طرح «روش ترکیب» بیان می‌کنیم که راه کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی منسند نیست و افزون بر آن معلوم خواهد شد که از روش اکتشاف در کشف چه آموزه اقتصاد اسلامی و در چه موقعی باید استفاده کرد.

مطلب سوم درباره احکام ولایی گفته شده است که ابداعی و ایجاد است و لازم نیست کاشف از واقع و نفس الامر باشد. این سخن را بر دو معنا می‌توان حمل کرد: ۱. احکامی که ولی فقیه در باره افعال و روابط ارائه می‌دهد، نیازی نیست در واقع و نفس الامر حکمی داشته باشد. ۲. در واقع و نفس الامر حکم الهی وجود دارد، اما چون حکم ولی فقیه بر اساس مصلحت است، نیازی به مطابقت آن با واقع و نفس الامر نیست. اگر مطلب سوم را بر معنای اول حمل کنیم، کاملاً با جامعیت دین - که پیش‌تر بیان شد - منافات دارد. آیاتی همانند ما فرطنا فی الكتاب من شیء و روایاتی همانند لیس شیء الا و قد جاء فی الكتاب و جاءت فیہ السنة دلالت بر وجود نقشه جامع در عالم واقع و علم الله دارد.

این تفسیر یقیناً مخالف نظر شهید صدر (ره) است؛ چرا که از ایشان پیش‌تر نقل کردیم که مذهب اقتصادی‌ای که از روش اکتشاف حاصل می‌شود، چون از روش اجتهاد صحیح به دست می‌آید، بیشترین انتساب را به عالم واقع دارد. این سخن معنای اول را نفی می‌کند و بر خلاف نظر کسانی که می‌گویند مذهب اقتصادی نیازی به مطابقت با عالم واقع و حجیت ندارد، قائل به حجیت یا مطابقت آن با عالم واقع است. آنچه گذشت (مذهب اقتصادی مورد نظر شهید صدر (ره) نیز باید مطابق با واقع و یا حجت عندالله باشد) از ظاهر عبارات شهید صدر (ره) برمی‌آید. برخی از این عبارات، به این شرح است:

ان الصورة التي نكوّنها عن المذهب الاقتصادي، لما كانت متوقفة على الاحكام و المفاهيم، فهي انعكاس لاجتهاد معين، لأن تلك الاحكام و المفاهيم التي تتوقف عليها الصورة، نتيجة لاجتهاد خاص في فهم النصوص، و طريقة تنسيقها و الجمع بينها. و مادامت الصورة التي نكوّنها عن المذهب الاقتصادي اجتهادية، فليس من الحتم أن تكون هي الصورة الواقعية، لأن الخطأ في الاجتهاد ممكن. و لاجل ذلك كان ممكن لمفكرين اسلاميين مختلفين، أن يقدموا صوراً مختلفة للمذهب الاقتصادي



فی الاسلام، تبعاً لاختلاف اجتهاداتهم، و تعتبر كل تلك الصور صوراً اسلامية للمذهب الاقتصادي، لأنها تعبر عن ممارسة عملية الاجتهاد التي سمح بها الاسلام و أقرها، و وضع لها مناهجها و قواعدها. و هكذا تكون الصورة اسلامية ما دامت نتيجة الاجتهاد جائز شرعاً، بقطع النظر عن مدى انطباقها على واقع المذهب الاقتصادي في الاسلام (همان، ص ۳۸۳).

صورتی که ما از مذهب اقتصادی داریم، متوقف بر احکام و مفاهیم است، پس انعکاسی از یک اجتهاد مشخص است؛ زیرا آن احکام و مفاهیم که آن صورت متوقف بر آنها است، نتیجه اجتهاد شخصی از درک نصوص، روش تفسیق و جمع بین نصوص است. هنگامی که آن صورت‌های برآمده از مذهب اقتصادی را به روش اجتهاد تحصیل کنیم، مطمئن نیستیم که همان صورت واقعی از مذهب اقتصادی باشد؛ چرا که خطا در اجتهاد ممکن است. به همین سبب، امکان دارد متفکران مختلف اسلامی، به جهت اختلاف در اجتهاداتشان، صورت‌های متعددی از مذهب اقتصادی در اسلام ارائه دهند. در این حال، همه آن صورت‌ها، صورت‌های اسلامی مذهب اقتصادی به شمار می‌آیند؛ زیرا از طریق اجتهادی که اسلام آن را اجازه داده و تثبیت کرده و روش‌ها و قواعد آن را وضع کرده، بیان می‌شوند. در نتیجه آن صورت تا زمانی که نتیجه اجتهاد شرعی و جایز باشد، با صرف نظر از میزان انطباقش با مذهب اقتصادی واقعی در اسلام، یک صورت اسلامی از مذهب اقتصادی است.

از این گفتار شهید صدر (ره) چنین بر می‌آید که گویا در عالم واقع و نفس الامر یک مذهب اقتصادی داریم و تمام اجتهادات برای کشف همان مذهب اقتصادی در عالم واقع است. اگر ایشان معتقد نبود که در عالم واقع مذهب اقتصادی داریم، اجتهاد برای کشف آن مذهب اقتصادی و اشتباه در اجتهاد معنا نداشت؛ چون اشتباه در اجتهاد برای کشف مذهب اقتصادی هنگامی معنا دارد که معتقد باشیم در عالم واقع، اسلام دارای مذهب اقتصادی است و محقق اقتصاد اسلامی می‌تواند با روش صحیح اجتهاد در صدد کشف آن برآید. در این حال، اگر وی آن مذهب اقتصادی را کشف کند، مصیب و کاشف واقع می‌شود و اگر آنچه از روش اجتهاد صحیح تحصیل کند، مطابق با واقع نباشد، حجت

عندالله است. نظیر عبارتی که از شهید صدر (ره) نقل شد، عبارات دیگری نیز در نوشته‌های ایشان وجود دارد (همان، ص ۳۷۹، ۳۸۹، ۴۰۰).

اگر در مطلب سوم، معنای دوم منظور باشد (حکم الهی در واقع و نفس الامر وجود دارد، اما چون حکم ولی فقیه مطابق با مصلحت است، نیاز به مطابقت آن با واقع و نفس الامر نیست) در این صورت، وجود حکم نفس الامر لغو خواهد شد. به علاوه اگر حکم ولی فقیه مطابق با مصلحت است، حکم نفس الامر نیز مطابق با مصلحت می‌باشد، پس علت ترجیح حکم ولی فقیه بر حکم واقع و نفس الامر چیست؟

ممکن است گفته شود که گرچه نفس الامر حکم دارد، اما به محض اینکه ولی فقیه در باره فعلی حکمی صادر می‌کند، نفس الامر مطابق با حکم ولی فقیه تغییر خواهد یافت. در پاسخ این مطلب خواهیم گفت: کسانی که آشنایی مختصری با مبانی فقه اسلام دارند، خواهند پذیرفت که این مطلب مطابق با نظریه تصویب می‌باشد که زیربنای فقه اهل سنت است و برخی فقیهان آن را نپذیرفته، و در علم اصول فقه، ادله کافی برای عدم صحت این مبنا ارائه شده است.

با تبیینی که ما در ادامه از حکم ولی فقیه ارائه خواهیم داد، به نظر می‌رسد که تنها راه تصحیح نظریه شهید صدر (ره) قائل شدن به انسداد باب علم و علمی در کشف مذهب اقتصادی است. شاهد این برداشت، مشکلات فراوانی است که شهید صدر (ره) در استفاده از نصوص و منابع استنباط برای کشف مذهب اقتصادی مطرح کرده است. گرچه نویسنده این نوشتار معتقد به انسداد باب علم در کشف مذهب اقتصادی نیست، بلکه، معتقد است هم مذهب اقتصادی و هم سایر آموزه‌های اقتصادی اسلام را می‌توان از طریق علم یا علمی کشف نمود.

## احکام حکومتی<sup>۱</sup>

آیا احکامی تحت عنوان احکام حکومتی در کنار احکام اولی و ثانوی داریم؟ یا احکام حکومتی با ویژگی خاصی همان حکم اولی یا ثانوی است؟

۱. با بررسی دستگاه تشریح شریعت اسلامی، می‌توان به این نتیجه رسید که احکام

حکومتی، جدا از احکام اولی و ثانوی نیست. احکام حکومتی، احکام مربوط به روابط

۱. ر. ک: مجله فبسات، ش ۳۲، ص ۱۵۴ - ۱۶۹.

حکومت با مردم و جامعه و حکومت‌های دیگر است. بر این روابط، عناوینی منطبق می‌شود که با تحقق هر عنوانی بر رابطه‌ای، حکم آن عنوان نیز بر آن رابطه جاری می‌شود. از این جهت، هیچ فرقی بین احکام مربوط به روابط حکومت با مردم، جامعه و دیگر حکومت‌ها و بین احکام مربوط به روابط و رفتارهای فردی نیست. حاکم اسلامی و تشکیلات حکومتی با توجه به توانایی‌های فقهی و جهات دیگر، عناوین رفتارها و روابط حکومتی را تشخیص می‌دهد و حکم آن عنوان از ادله استنباط و استخراج و بر مصداق آن عنوان تطبیق می‌شود.

در احکام روابط اجتماعی و کلان ممکن است بسیاری از فقیهان از همان روش فقهی متداول و صحیح بهره‌برند و حکم فقهی این روابط را کشف کنند. چه بسا در اینجا نیز این فقیهان همانند احکام روابط فردی اختلاف نظر بیابند و درباره‌ی یک نوع رابطه چه بسا ممکن است فقیهان چند نوع حکم را استنباط کنند که با هم ناسازگار باشند؛ در نتیجه اجرای همه‌ی این احکام به وسیله مقلدانشان، به یقین مشکلات جدی در سطح جامعه ایجاد خواهد کرد و ممکن است جامعه دچار هرج و مرج شود. برای پرهیز از این معضل و مشکل اجتماعی، با توجه به اینکه ولی فقیه، هم‌آگاهی فقهی لازم را دارا است و هم از اوضاع اجتماعی جامعه اطلاعات گسترده دارد، فقط او حق دارد حکم مستنبط خود را اجرا کند و مانع از اجرای احکام مستنبط دیگر فقیهان شود؛ یعنی به ولی فقیه در موضع ولایت چنین حقی داده شده است و فقیهان دیگر چنان حقی ندارند.

بنابراین، ولی فقیه حکم جدیدی جعل و تشریح نمی‌کند، بلکه از روش استنباط متعارف در فقه، احکام در باب روابط اجتماعی و کلان را همانند سایر فقیهان کشف می‌کند و از حق ولایت خود استفاده می‌نماید.

۲. حکم ولایی و احکام حکومتی نیز همانند احکام رفتارها و روابط فردی تابع مصالح و مفاسدند. اگر رابطه‌ای دارای مصلحت ملزمه باشد، به یقین انجام آن از ناحیه حکومت و مردم واجب می‌شود، و اگر مفسده ملزمه داشته باشد، انجام آن از ناحیه حکومت و مردم حرام است. در احکام حکومتی، حاکم اسلامی به دنبال تشخیص مصداق عنوانی است که حکم آن عنوان در شریعت مشخص شده است و با تشخیص مصداق آن عنوان، حکم آن عنوان را بر آن مصداق جاری می‌کند. در نتیجه، وظیفه حکومت، تشخیص مصلحت یا مفسده حکم نیست، بلکه تشخیص مصادیق عناوینی است

که احکام آن عناوین را از شریعت می توان کشف کرد.

با توجه به دو مطلب بیان شده، به این نتیجه می رسیم که احکامی تحت عنوان احکام حکومتی در عرض احکام اولیه و ثانویه نداریم. در احکام فردی هر یک از مقلدان فقیهان، مجازند به فتاوای مقلدشان عمل کنند، اما در احکام حکومتی برای پرهیز از هرج و مرج، همه موظف به عمل به حکم ولی فقیه هستند.

بنابراین نباید روش شهید صدر (ره) را با مبانی ای توجیه کرد که قریب ۱۴۰۰ سال معصومان (ع) و فقیهان روشن بین اسلام با آن مبانی مخالفت کردند و هیچ قرینه ای در گفتار شهید صدر (ره) برای این گونه توجیهاات وجود ندارد، بلکه چنان که گذشت قرآینی برخلاف آن می توان یافت. به نظر می رسد تنها توجیه صحیح نظریه شهید صدر (ره) آن است که به نظر ایشان راه کشف مذهب اقتصادی منسد است و چون علم یا راه علمی برای رسیدن به مذهب اقتصادی وجود ندارد، ولی فقیه می تواند از ظنون غیر معتبر نیز استفاده کند. در استفاده از ظنون غیر معتبر نیز هر فقیهی یا ولی فقیه تلاش خواهد کرد از ظنونی استفاده کند که احتمال اقریب آنها به واقع بیشتر باشد، نه اینکه این گونه احکام هیچ ربطی به واقع و نفس الامر ندارند.

آنچه گذشت، تنها توجیه صحیح نظریه شهید صدر (ره) است؛ اما در ادامه روشن خواهد شد که راه کشف مذهب اقتصادی، بلکه سایر آموزه های اقتصاد اسلامی منسد نیست و با استفاده از نظریه «روش ترکیب» می توان آموزه های اقتصادی اسلامی را کشف کرد.

### چگونگی دست یابی به آموزه های اقتصاد اسلامی

پیش تر درباره آموزه های اقتصاد اسلامی مطالب لازم بیان شد. اکنون این پرسش را مطرح می کنیم که ما در جایگاه مسلمان چگونه می توانیم به ساحت شریعت نفس الامر راه یابیم و آنچه برای سعادت دنیا و آخرت نیاز داریم از آن بهره مند شویم. یگانه راه دست یابی ما به شریعت نفس الامر عبارت از وحی (قرآن)، سنت و عقل است. با مراجعه به قرآن، سنت و عقل می توانیم به مبانی اعتقادی و ارزشی، اهداف، قواعد اساسی و احکام حقوقی رفتارهای اقتصادی دست یافته، با تنسیق و تنظیم آنها، طرح نظری نظام اقتصادی اسلام را کشف کنیم.



این کشف در صورتی می‌تواند متناسب به اسلام باشد که در کشف هر آموزه اقتصادی، از روش صحیح و با استفاده از عنصر اجتهاد مرسوم در آن آموزه استفاده شود. میزان انتساب آموزه‌های اقتصادی مکشوف به اسلام و نفس الامر به توانایی علمی شخص مستنبت و روش کشف وی بستگی دارد. هرچه توانایی وی بیشتر و روش درست‌تری در مطالعه پیش گیرد، میزان انتساب مکشوف و مستنبت او به اسلام و نفس الامر بیشتر خواهد بود؛ البته انتظار آن نیست که آنچه در نهایت از روش صحیح کشف می‌شود، دقیقاً بر آموزه‌های نظام اقتصادی موجود در عالم نفس الامر منطبق باشد. این سخن نیز بدان معنا نیست که آنچه کشف شده، نباید در خارج به عینیت درآید؛ چون اگر فرد کاشف، صلاحیت کافی برای کشف را داشته باشد و نیز از روش صحیح استفاده کند، مکشوف وی می‌تواند نزد خدای متعال حجت باشد. در آن هنگام می‌توان آن را در خارج طراحی و عینیت بخشید. چون «لِمَصِيبِ آجْرَانِ وَّ لِلْمُخْطِیِ آجْرٍ وَاحِدٍ»؛ در نتیجه اگر کسی توان کافی برای کشف داشته باشد و از روش صحیح استفاده کند، آنچه کشف می‌کند، اگر مطابق با نفس الامر باشد، دو پاداش خواهد داشت و اگر خطا بود، فقط یک پاداش نصیب او خواهد شد.

روشی که ما برای کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی معرفی می‌کنیم، «روش ترکیب» است. در ادامه، مقصود از این روش، اجزا و ابعاد آن، و نیز نحوه استفاده از آن را در کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی توضیح می‌دهیم.

### روش ترکیب

مقصود ما از روش ترکیب در کشف نظام اقتصادی اسلام، بهره‌گیری از روش تأسیس، اکتشاف و امضا است. با توجه به آنچه پیش‌تر درباره این سه روش گذشت، به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این سه روش به تنهایی در کشف همه آموزه‌های اقتصادی اسلام، توانایی و ظرفیت کافی را ندارند؛ بلکه لازم است از هر سه روش با توجه به ویژگی‌های هر یک در کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی بهره جست. در ادامه، نحوه استفاده از هر یک از این روش‌ها را در کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی توضیح می‌دهیم.

## یک. روش تاسیس

مقصود از تاسیس چیست؟ اینکه گفته می‌شود مبانی اقتصاد اسلامی تأسیسی است، به چه معنا است؟ آیا این مبانی همانند عبادات وجود نداشته‌اند و شارع آنها را تشریح کرده است؟ اگر شارع مبانی را تاسیس و تشریح کند، می‌توان با استفاده از ابزار عقل روبناها را بر پایه آن مبانی بنا نهاد؟

ممکن است تصور شود که تاسیس به معنای استفاده از ابزار عقل برای رسیدن به مبانی اعتقادی، اصول و قواعد کلی، احکام اقتصادی و... است؛ یعنی وحی و سنت کنار گذاشته شود و فقط با ابزار عقل به این معارف دست یابیم.

این مطلب، هرگز پذیرفتنی نیست؛ چون این قول بی‌نیازی بشر از وحی و سنت را بیان می‌کند.

اما اگر با استفاده از ابزار عقل، کتاب و سنت، بتوانیم به مبانی اعتقادی درباره خدای متعال و صفات او، عالم هستی و ویژگی‌های آن، انسان و خصوصیات وی، و نیز جامعه و ابعاد آن، و به معارفی از این قبیل دست یابیم و با استفاده از این معارف به قواعد کلی و اصولی برسیم که راهنمای عمل ما در عرصه‌های گوناگون زندگی باشند، در این صورت آیا این روش مجاز خواهد بود؟

اجمالاً پاسخ مثبت است؛ اما اینکه در چه صورتی و با چه شرایطی صحیح و مجاز است، در ادامه به بیان آن خواهیم پرداخت. در این تحقیق، این روش را تاسیس نامیده‌ایم. در ادامه، نحوه استفاده از این روش را برای کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام با مثال‌هایی توضیح می‌دهیم.

برای کشف آموزه‌های اقتصادی اسلام ابتدا از وحی (قرآن)، سنت و عقل، مبانی اعتقادی و ارزشی اسلام کشف و استنباط می‌شود. این آموزه‌ها، اصل، بنیادی و تکیه‌گاه منطقی سایر آموزه‌های اقتصادی اسلام شمرده می‌شود. این آموزه‌ها، در واقع، جهان‌بینی اسلامی در عرصه رفتارهای اقتصادی است.

وقتی در جهان‌بینی اسلامی به‌طور یقین‌پذیریم که خداوند متعال، خالق، مالک و رب جهان هستی است و از سوی دیگر، انسان جانشین خدا و مسئول در برابر او است، نتیجه این گزاره‌ها آن می‌شود که انسان در تصرف امکانات اقتصادی محدود به حدودی است که مقتضای مسئولیت او در برابر خدای متعال می‌باشد. در نتیجه آزادی او در

تصرف امکانات و رفتارهای اقتصادی نامحدود نیست، بلکه آزادی مسئولانه و تکلیف مدارانه در برابر خدای متعال است.

آن گاه که در میانی به طور یقین بپذیریم خداوند متعال جهان هستی را برای همه انسان ها آفریده و از سوی دیگر هدف از خلقت انسان تکامل معنوی او است و امکان تکامل معنوی او بدون تکامل جسمی لازم و متعادل، ممکن نیست، بعد خواهیم پذیرفت که هیچ گاه جایز نیست افرادی اندک همه نعمت های خدای بزرگ را به چنگ آورند و بخش عظیمی از انسان ها از حداقل امکانات مادی محروم شوند و از اینجا اصل توزیع عادلانه ثروت های اولیه و درآمدها استنباط می شود.

آن گاه که اصل توزیع عادلانه ثروت های اولیه و درآمدها پذیرفته شود، لازمه عقلی آن، این است که اصل حضور مسئولانه دولت در اقتصاد نیز پذیرفتنی است.

وقتی در میانی اعتقادی به طور یقین بپذیریم که هم جامعه و هم فرد اصالت دارند، آن گاه رعایت مصالح فرد و جامعه در رفتارهای اقتصادی، راهبردها و سیاست های اقتصادی به صورت اصل مورد پذیرش قرار می گیرد و در تراجم مصالح فرد و جامعه هر یک از فرد و جامعه به میزان سهم خود از منافع باید متحمل ریسک و زیان نیز بشوند. نه جامعه امر موهومی است که به آن بی توجهی شود و نه فرد بی قدر و قیمت است که حق مالکیت نداشته باشد.

وقتی در میانی معتقد باشیم که مالکیت حقیقی از آن خدای متعال است و انسان، دولت و جامعه در چارچوب اجازه خدا حق پیدا می کنند، آن گاه باور خواهیم کرد که مالکیت مختلط (خصوصی و دولتی و عمومی) به صورت یک اصل، امری منطقی است. وقتی در میانی به طور قطع بپذیریم که نعمت های اقتصادی را خداوند برای همه انسان ها آفریده است و علت غایی آفرینش نعمت های الهی بهره مندی همه انسان ها است، و نیز باور داشته باشیم که بدون بهره مندی انسان ها از نعمت های الهی، جوامع انسانی به تعالی حقیقی و سعادت نخواهند رسید، نتیجه خواهیم گرفت که رفاه عمومی، هدف قطعی نظام اقتصادی اسلام است.

وقتی در میانی اعتقادی تردیدی نداشته باشیم که خدای متعال بیش از انسان ها به مصالح و مفاسد آنها عالم است، و او می داند چارچوب تصرف در امکانات و رفتارهای اقتصادی باید چگونه باشد تا حق همه انسان ها رعایت شده باشد، و نیز خدای متعال

هرگز در حق انسان‌ها ظلم نخواهد کرد، آن‌گاه عدالت (به معنای رعایت حقوق اقتصادی همه انسان‌ها) به صورت هدف قطعی نظام اقتصادی اسلام پذیرفتنی است و عدول از آن ظلم شمرده می‌شود.

بنابراین، ما می‌توانیم از طریق کشف مبانی اعتقادی، به برخی اصول و قواعد اساسی مذهب اقتصادی دست یابیم. وقتی قواعد اساسی و اهداف بر پایه جهان بینی اسلامی استنباط شد، پایه و اساس حقوق اقتصادی قرار می‌گیرد و فقیه می‌تواند بر پایه آنها و نیز با نظر به اهداف قطعی، احکام برخی از رفتارهای اقتصادی را استنباط کند. از باب مثال، انحصارهای بزرگ صنایع، پدیده‌ای است که به شدت رفاه عمومی را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد و رابطه غایی آفرینش نعمت‌های الهی با وجود انحصارهای بزرگ، نقض می‌شود؛ و از سوی دیگر، نوعاً باعث مفاسد اخلاقی و اجتماعی فراوانی خواهد شد که با هدف خلقت انسان منافات دارد. بدین لحاظ ممکن است فقیه به عدم جواز انحصارهای عظیم حکم کند.

شایسته توجه است که در روش تأسیس، قواعد اساسی به دو نحو قابل کشف است: ۱. بعد از کشف مبانی اعتقادی از قرآن، سنت و عقل، قواعد اساسی که نتیجه قطعی آن مبانی اعتقادی است، کشف و استنباط می‌شوند. آنچه در روش تأسیس تا کنون توضیح داده شد، همین نحو اول است. ۲. با مراجعه مستقیم به قرآن و سنت ممکن است برخی قواعد اساسی اقتصاد اسلامی کشف و استنباط گردد. اما این قواعد اساسی نباید با مبانی فکری و اعتقادی ناسازگار باشند. اگر برخی قواعد اساسی با مبانی فکری و اعتقادی ناسازگار باشد، این ناسازگاری با توجه به امور ذیل برطرف می‌شود:

الف. آموزه‌های اقتصاد اسلامی در عالم واقع و نفس الامر هماهنگ و همسو با هم‌اند.  
ب. مبانی فکری و اعتقادی باید با تکیه بر قرآن، سنت و با استفاده از ابزار عقل، به صورت قطعی و یقینی استنباط شوند؛ اما موضوع اصول و قواعد اساسی، رفتارهای مردم و نهادهای اجتماعی است. بنابراین، استنباط اصول و قواعد اساسی مورد نظر از ادله ظنی معتبر بلاشکال است. در صورتی که مفاد این ادله ظنی معتبر با مفاد ادله‌ای که مبانی فکری و اعتقادی به نحو یقینی از آنها استنباط می‌شود، ناسازگار باشند، ادله یقینی و لوازم آن مقدم می‌شوند؛ در نتیجه اگر اصلی که از ادله ظنی معتبر استنباط شد، با مبانی فکری و اعتقادی همخوانی کافی نداشته باشد، کنار گذاشته می‌شود و با استفاده از ابزار

عقل، اصل و قاعده‌ی اساسی که از مبانی فکری و اعتقادی یقینی استنباط می‌شود، جایگزین اصل مستنبط از ادله‌ی ظنی می‌گردد.

چنانچه اصل مستنبط ناسازگار با مبانی فکری و اعتقادی، از نصوص قطعی همانند خبر متواتر یا خبر واحد محفوف به قرینه‌ی قطعی استنباط شده باشد، هم‌ردیف و در تعارض با مبانی فکری و اعتقادی قرار می‌گیرد و به ضوابط باب تعارض عمل می‌شود، و سازگاری قواعد اساسی با مبانی اعتقادی یقینی، امر مهمی در رفع تعارض است و قاعده‌ی مستنبط از مبانی فکری و اعتقادی ترجیح دارد. اما با توجه به اینکه آموزه‌های اقتصاد اسلامی در عالم واقع و نفس الامر هماهنگ و همسو هستند، این تعارض بین قاعده‌ی اساسی مستنبط از کتاب و سنت یا اتفاق نخواهد افتاد یا به شدت نادر خواهد بود؛ چراکه آیات قرآن و سنت معصومان (ع) که این قاعده از آنها استنباط شده است، با تکیه بر همان مبانی اعتقادی قطعی صادر شده‌اند. از باب مثال اگر در مبانی اعتقادی در باب هستی‌شناسی و انسان‌شناسی به این نتیجه‌ی قطعی برسیم که علت غایی آفرینش نعمت‌های الهی، بهره‌مندی همه‌ی انسان‌ها می‌باشد، اما از آیات و روایات قطعی به این نتیجه برسیم که عدالت توزیعی هیچ‌گاه یک قاعده‌ی اساسی پذیرفته شده نیست و انسان‌ها در برابر گرسنگی و هلاکت هم‌نوعان خود هیچ مسئولیتی ندارند، در این صورت هماهنگی آموزه‌های اقتصاد اسلامی در عالم واقع و نفس الامر، مرجح رفع ناسازگاری به نفع مبانی اعتقادی است و قاعده‌ی اساسی مستنبط از مبانی اعتقادی ارجح می‌باشد. رابطه‌ی احکام اقتصادی با اصول و قواعد اساسی چنین است که اصول و قواعد اساسی برای احکام اقتصادی جایگاه زیربنایی دارند و می‌توان احکام اقتصادی را با تکیه بر قواعد اساسی استنباط کرد؛ اما از آنجایی که روش استنباط احکام اقتصادی، امضایی است، احکام اقتصادی عرف و عقلای دنیا اگر غرری، ضرری و ربوی نباشد، مورد تأیید و امضای شارع است. علاوه بر این، وقتی قواعد اساسی اقتصاد اسلامی با ادله‌ی قطعی یا با ظن معتبر استنباط شده باشد، می‌تواند همانند قاعده‌ی ربوی، ضرری و غرری مقید احکام عرفی و عقلایی باشند. از باب مثال وقتی توزیع عادلانه ثروت یا لزوم رعایت مصالح فرد و جامعه به عنوان یک قاعده به وسیله‌ی دلیل قطعی یا ظن معتبر اثبات شد، همانند قاعده‌ی ربوی نبودن معاملات، می‌تواند مقید احکام عرفی و عقلایی باشد. بنابراین اگر لزوم رعایت مصالح فرد و جامعه به عنوان یک اصل به وسیله‌ی دلیل قطعی یا ظن معتبر اثبات

شد، اما فقیه از روش امضا بدون توجه به این اصل، احکام اقتصادی را استنباط کرد که نتیجه قطعی آنها عدم ملاحظه و رعایت مصالح جامعه است، این احکام باید به وسیله اصل رعایت مصالح فرد و جامعه مقید شوند. به عنوان مثال، اگر جواز انحصارات بزرگ با استفاده از روش امضا و تکیه بر قواعد عدم ربوی، ضرری و غرری اثبات شود؛ اما جواز این حکم منافات با قاعده لزوم رعایت مصالح جامعه باشد؛ در این صورت جواز انحصارات بزرگ مقید می شود به شرطی که مضر به مصالح جامعه نباشد. همچنین سایر قواعد اساسی مستنبط به وسیله ادله قطعی یا ظن معتبر نسبت به احکام اقتصادی چنین نقشی دارند و می توانند مقید آن احکام باشند.

در روش تأسیس و حرکت از زیربنا به روبنا اگر بتوانیم همه آموزه های پنج دسته نظام اقتصادی را مترتب بر هم و از عقل و نقل استنباط کنیم - به گونه ای که به یقین به شریعت اسلامی منتسب باشند - امری بسیار مطلوب و اقدامی منطقی است و سرانجام آنچه کشف می شود، به نحو آسان تری امکان تطبیق آن در خارج وجود خواهد داشت. اما به نظر می رسد که این امر بسیار دشوار باشد؛ چون در بسیاری از آموزه های پیش گفته نیاز به قطع و یقین می باشد، و تحصیل آن بسیار مشکل است؛ به ویژه براساس مبنایی که معتقد است فقط در احکام فرعیة فقهیه می توان به خبر واحد تمسک جست و امور فکری و اعتقادی و غیر احکام فرعیة فقهیه را زمانی می توان به شریعت اسلام منتسب کرد که یا دلیل عقلی یقینی یا خبر متواتر یا خبر واحد مقرون به قرینه قطعی بر آن دلالت کند (برنجکار، ۱۳۷۵، ش ۹، ص ۱۰۴ - ۱۲۶). به همین سبب در صدد راه ضمیمه جهت تکمیل نقص روش تأسیس در کشف آموزه های اقتصاد اسلامی باید باشیم و آن استفاده از روش امضا و اکتشاف است. بنابراین، این دو روش را بیان، سپس به توضیح و پاسخ برخی پرسش ها و ابهام ها می پردازیم.

#### دو. روش امضا

پس تر بیان شد که میان مجموع آموزه های پنج گانه نظام اقتصادی اسلام مهم ترین آموزه، از جهت نمود و بروز، اصول و قواعد اساسی اقتصادی است؛ اما از جهت عملی و اجرا، احکام و ضوابط اقتصادی اهمیت ویژه ای دارند. گرچه اصول و قواعد اساسی مستنبط، زیربنای احکام و ضوابط عملی امور اقتصادی و مالی هستند، در کشف و استنباط احکام اقتصادی مهم ترین روش پذیرفته شده در شریعت اسلامی روش امضا است. فقه

شریعت اسلامی توانایی و ظرفیت آن را دارد که احکام رفتارهای اقتصادی با عنایت به روش امضا از آن کشف و استنباط شود.

فقه اسلام از یک دیدگاه به باب معاملات و عبادات تقسیم می‌شود. مشهور میان فقیهان معاصر آن است که احکام عبادات، تأسیسی و احکام معاملات امضایی است؛ یعنی تمام عبادات، حدود، شروط و قیود آنها را شارع مقدس جعل و اعتبار، و نوع احکام آنها را نیز بیان کرده است؛ بنابراین، برای آنکه عبادات را همراه با حدود، شروط، قیود و احکام آنها شناسایی کنیم، ناگزیر باید در ادله شرعی جست‌وجو کرد؛ اما معاملات این‌گونه نیستند. تمام معاملات همراه با حدود، شروط، قیود و احکام آنها را عرف و عقلا به لحاظ الزام‌های زندگی اجتماعی خود اعتبار می‌کنند و بنا می‌گذارند که رفتار خاصی را درباره پدیده نو ظهوری (همانند بیمه) داشته باشند؛ بنابراین، برای شناسایی انواع معاملات و احکام آنها باید از عرف و عقلا و قراردادهای آنها بهره جست.

اسلام، خواهان سعادت دنیایی و آخرتی بشر است و بشر ممکن است در زندگی خود انواعی از معاملات را به کار گیرد یا از برخی معاملات به گونه‌ای استفاده کند که به مصلحت او نباشد؛ در نتیجه او را از مسیر سعادت دور کند. شارع اسلام این نوع معاملات را غیر مجاز و حرام می‌شمارد و به نحوی در آنها تصرف می‌کند. این تصرف ممکن است به نحوی باشد که اصل آن نوع معاملات را منتفی، و به مسلمانان اعلام کند که حق ندارند آنها را در متن زندگی خود به کار گیرند یا با افزودن یا کاستن برخی قیود و شروط، آن را مباح و مجاز می‌شمارد؛ بنابراین با مراجعه به مخصصات و مقیدات در ادله شرعی نظر شارع مقدس کشف می‌شود. برای اثبات این روش، فقیهان و محققان فقه اسلام به ادله‌ای تمسک جستند که مهم‌ترین دلیل آنان، آیه یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود (مائده / ۱) است. مقتضای این آیه حلیت هر نوع رابطه‌ای در میان عرف و عقلا است که بدان «عقد» گفته می‌شود.

بر دلالت این آیه بر مطلب پیشین، اشکالات فراوانی شده است؛ اما فقیهان معاصر با رد تمام اشکالات، دلالت این آیه را پذیرفته، بر آن اصرار می‌ورزند. البته اگر عقدی ربوی، غرری، ضرری و... باشد، عموم آیه را تخصیص می‌زند؛ چرا که ادله خاص دیگری از طرف شارع وارد شده است که عبارتند از: نهی النبی عن بیع الغرر او عن الغرر (حرّ عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱۷، کتاب التجاره، باب ۴۰، ص ۴۴۸، ح ۳) و لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام (همان، ج ۲۶، کتاب الفرائض و الموارث، باب ۱، ص ۱۴، ح ۱۰) و اهل الله البیع و حرّم الربا (بقره / ۲۷۵).

بنابراین، وقتی عموم آیه اوفوا بالعقود کنار ادله خاص دیگر قرار می‌گیرد، مقصود جدی شارع در باب معاملات چنین به دست می‌آید: تمام معاملاتی که عرف و عقلا در زندگی خود انجام می‌دهند، مورد تأیید و امضای شارع است، مگر آنکه عقد و معامله‌ای ربوی، غرری، ضرری و... باشد (ر. ک: موسوی خمینی، ۱۴۱۵، ص ۴۸-۵۳ و ص ۶۵-۷۷؛ محقق خویی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۹؛ اصفهانی، ۱۴۱۸، ص ۲۶۰-۲۷۰).

ادله دیگری برای اثبات این روش ذکر کرده‌اند (سلیمان پور، ۱۳۸۲، ص ۹۲-۹۴) که عبارتند از: «المؤمنون عند شروطهم»، «الناس مسلطون علی اموالهم» و «ضرورت جلوگیری از اختلال نظام و عسر و حرج»؛ اما این دسته از ادله از طرف فقیهان و اندیشه‌وران اسلامی با تردیدهای جدی مواجه شده است.

با پذیرش مطلب پیشین، هر عقدی که در محیط عرف جریان یابد، شارع آن را امضا کرده است، مگر آنکه با ادله نهی، منافات داشته باشد که در این صورت با تخصیص ادله عام به وسیله مشخصات، مقصود جدی شارع کشف می‌شود. بنابراین، وقتی عقدی در محیط عرف و عقلا جریان یافت، کافی است ما دنبال ردع شارع باشیم. اگر ردعی نیافتیم، دلیل بر امضای شارع است. به همین سبب گفته می‌شود صحت عقود جدید نیازمند امضای شارع است؛ هر چند امضا به نحو عدم ردع باشد.

از مطالبی که درباره روش امضا نوشتیم، مشخص است که می‌توان از روش امضا در کشف دسته سوم آموزه‌های اقتصاد اسلامی (احکام اقتصادی) بهره جست. بنابراین، تردیدی نیست در کشف اینکه کدام معامله عرفی و رفتار اقتصادی را با چه شرایط و قیودی شارع مورد تأیید قرار داده است، باید از روش امضا استفاده کرد.

بر اساس این روش، احکام رفتارهای اقتصادی عرف و عقلای دنیا در عرصه عقود و معاملات بررسی می‌شود و هر رفتاری که شریعت اسلامی با آن مخالف نباشد، بر پایه روش امضا، مورد تأیید شارع است؛ ولی اگر اصل آن رفتار یا برخی از اقسام آن با احکام ثابت شده شریعت در حوزه اقتصاد مخالف باشد، از ناحیه شریعت اصل آن رفتار مورد تأیید و امضا قرار نمی‌گیرد یا قسمی که با شریعت مخالف است قید می‌خورد. از باب مثال وقتی در شریعت اسلام ثابت شد که احل الله البیع و حرّم الربا آن گاه که معاملات عرف و عقلای دنیا را به شریعت عرضه می‌کنیم، درمی‌یابیم که تمام معاملات ربوی عرف و عقلای دنیا مخالف با این دلیل بوده و مردود شمرده شده است، مگر موارد استثنای ربا.



## سه. روش اکتشاف

ماهیت روش اکتشاف همان است که پیش‌تر از شهید صدر بیان کردیم. روش اکتشاف در طول روش امضا و بعد از کشف احکام اقتصادی از روش امضا است. این روش را شهید صدر برای کشف آموزه‌دسته دوم اقتصاد اسلامی (اصول و قواعد اساسی) به کار برد. این شهید بزرگوار، اقتصاد اسلامی را مذهب اقتصادی تعریف کرد و معلوم شد که مقصودش از مذهب اقتصادی، همان دسته دوم آموزه نظام اقتصادی اسلام است. ما نیز یکی از اجزای روش ترکیب را روش اکتشاف می‌دانیم و همان گونه که شهید صدر از این روش برای کشف مذهب اقتصادی اسلام استفاده کرد، ما هم برای اکتشاف و استنباط آموزه‌دسته دوم نظام اقتصادی اسلام با توجه به مطالبی که در ادامه می‌آید، استفاده می‌کنیم. فقیه از کنار هم قرار دادن احکام اقتصادی مستنبط خود به برخی قواعد اساسی دست می‌یابد. از آنجایی که این احکام اقتصادی، مستنبطات خود فقیه است، قاعده اساسی مستخرج از این احکام اقتصادی نیز حجت خواهد بود. البته، اگر احکام اقتصادی مستنبط با استفاده از اصول عملیه استنباط شده باشند و قواعد اساسی نیز از لوازم عقلی یا عادی این احکام باشند، در این صورت قاعده مستنبط نمی‌تواند مبنای عمل واقع شود. اما به ندرت اتفاق می‌افتد که احکام اقتصادی مستنبط یک فقیه هماهنگ با هم باشند، و از اصول عملیه استنباط نشده باشند؛ یا اگر از اصول عملیه استنباط شده باشند، قواعد اساسی مستنبط، از لوازم عقلی و عادی آن نباشد. بنابراین فقیه برای کشف قواعد اساسی به ناچار از فتاوی‌های سایر فقیهان استفاده می‌کند. برخی فتاوی‌های خود را که با سایر فتاوایش هماهنگ نیست، کنار گذاشته و فتاوی‌های سایر فقیهان را جایگزین می‌کند تا بتواند قواعد اساسی را از آن مجموعه فتاوی‌های هماهنگ کشف کند.

آیا مستنبطات این روش حجت است؟ با چه شرایطی و در چه صورتی فقیه می‌تواند از مستنبطات این روش بهره‌مند شود؟

آنچه گذشت، درباره روش کشف چهار آموزه اقتصاد اسلامی - مبانی اعتقادی، قواعد اساسی، احکام اقتصادی و اهداف اقتصادی - است. اما تاکنون درباره روش کشف الگوهای اقتصادی بحثی مطرح نشد، در حالی که با شناختن الگوهای اقتصادی، قدرت تحلیل و پیش‌بینی درباره متغیرهای اقتصادی افزایش خواهد یافت و نیز زمینه لازم برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اقتصادی فراهم خواهد شد. بنابراین، در ادامه به روش دستیابی الگوهای اقتصادی اسلام اشاره خواهد شد.

## روش دست‌یابی الگوهای اقتصادی اسلام

آیا الگوهای اقتصادی را باید از قرآن، سنت و عقل کشف نمود یا باید در بستر تحقق قواعد اساسی و احکام اقتصادی و بی‌گیری اهداف اقتصادی، الگوهای اقتصادی را استخراج و شناسایی کرد؟ یا از هر دو روش می‌توان بهره‌مند شد؟ برای کشف این آموزه‌ها نیازی نیست به منابع و مدارک فقهی مراجعه کرد، یا شاید بتوان همه آنها را از این منابع و مدارک استخراج نمود؛ زیرا:

۱. شریعت اسلامی در عرصه اقتصادی اهدافی را دنبال می‌کند. با ارائه مبانی اعتقادی، قواعد اساسی و احکام اقتصادی، بستر حرکت به سمت اهداف اقتصادی مشخص می‌شود. در این بستر رفتارها و روابط اقتصادی افراد حقیقی و حقوقی نهادینه می‌شود. به عبارت دیگر، با تحقق باورهای اعتقادی، اجرای قواعد اساسی و احکام اقتصادی، رفتارها و روابط اقتصادی در عرصه اقتصادی نهادینه می‌شوند. با کشف این رفتارها و روابط نهادینه شده به الگوهای اقتصادی دست می‌یابیم.

میزان انتساب این الگوها به شریعت اسلامی بستگی به میزان باورهای مردم به مبانی اعتقادی و ارزشی اسلام، تحقق قواعد اساسی، احکام اقتصادی و اهداف اقتصادی دارد. هرچه باورهای مردم به مبانی اعتقادی، محکم‌تر و اجرای احکام اقتصادی و تحقق اهداف و قواعد اساسی دقیق‌تر باشد، انتساب این الگوهای اثباتی کشف شده به اسلام بیشتر است.

بنابراین دیگر نیازی به کشف و استنباط الگوهای اقتصادی از منابع و مدارک اسلامی نیست.

۲. برای دست‌یابی به هر الگوی اقتصادی نیاز به کشف انگیزه رفتار اقتصادی، انواع محدودیت‌های رفتاری فردی و نهادی، و قواعد رفتاری است. بعید به نظر می‌رسد که بتوان همه این امور را از منابع اسلامی برای تمام الگوهای اقتصادی کشف نمود. البته، به رغم مطالب پیشین اگر بتوان الگوهای اقتصادی را از منابع اسلامی کشف نمود یا بتوان براساس قواعد اساسی و احکام اقتصادی و اهداف اقتصادی شناخته شده الگوهای اقتصادی را کشف کنیم، اقدامی پسندیده است و به عنوان الگوهای دستوری مبنای بیش‌بینی‌ها درباره متغیرهای اقتصادی و زمینه لازم برای سیاست‌گذاری‌ها و

برنامه‌های اقتصادی قرار می‌گیرند.

این بحث را با اشاره به روش آزمون الگوهای اقتصادی مکشوف به پایان می‌بریم.

### روش آزمون الگوهای اقتصادی

به نظر می‌رسد روش آزمون الگوهای اثباتی با دستوری متفاوت باشد. بنابراین درباره هر یک جداگانه توضیح مختصری ارائه می‌شود:

۱. الگوهای اقتصاد اثباتی: در آزمون تجربی الگوهای اقتصادی اثباتی اگر آزمون تجربی، الگوی اقتصادی را رد نکرد، معلوم می‌شود که الگو صحیح و قابل قبول است. اگر آزمون تجربی، الگوی اقتصادی را رد کرد مشخص می‌گردد که الگو نادرست بوده و باید آن را اصلاح، ترمیم و تکمیل نمود.

۲. الگوهای اقتصاد دستوری: اگر آزمون تجربی، این الگوها را رد نکرد، آن را می‌پذیریم. در صورتی که آزمون تجربی الگوی دستوری را رد کند، این نتیجه به گونه ذیل تفسیر می‌شود:

احتمال دارد در استنباط از منابع اسلامی یا اتخاذ روش مناسب به اشتباه رفته باشیم. بنابراین باید بازنگری در منابع و روش استنباط صورت گیرد. اگر در بازنگری منابع و روش استنباط، همان الگوی اقتصادی تأیید شد، در این صورت، ممکن است افراد جامعه بر اساس الگوی مطلوب اسلام رفتار نکرده باشند؛ یعنی رفتارهای اقتصادی مطلوب هنوز در جامعه نهادینه نشده باشد؛ بنابراین، باید مردم را ارشاد نمود تا بر اساس الگوی اقتصادی مطلوب اسلام رفتار کنند. اما اگر در بازنگری، الگو تأیید نشد و به الگوی دستوری جدید دست یابیم، آن را جایگزین الگوی پیشین نموده و مجدداً مورد آزمون قرار می‌گیرد. اما اگر به‌رغم تجدید نظر در منابع و روش کشف الگوی اقتصادی، الگوی جدیدی به دست نیامد، ناگزیر الگوی اثباتی، الگوی مطلوب خواهد بود و روش آزمون الگوی اثباتی مورد توجه محقق اقتصاد اسلامی قرار می‌گیرد.

در ادامه، اجزای روش ترکیب را به لحاظ حجیت بر می‌رسیم تا اشکالات احتمالی از این جهت، برطرف شود و به عنوان روش کامل و مطابق با مبانی فقه اسلام در کشف آموزه‌های اقتصاد اسلامی راه‌گشا باشد.

## نقد و بررسی روش ترکیب

قلمرو اقتصاد اسلامی را مجموعه‌ای از آموزه‌های اقتصادی اسلام و روش ترکیب را روش کشف و استنباط آن معرفی کردیم؛ اما ممکن است ابهام‌هایی متوجه این روش باشد که به طرح آنها پرداخته، توضیحاتی را ارائه می‌دهیم. این ابهام‌ها عبارتند از: ۱. آیا این روش‌ها عندالله حجت هستند؟ ۲. نسبت مکشوفات این روش‌ها با آموزه‌های اقتصادی عالم واقع و نفس‌الامر چگونه است؟

### حجیت روش تاسیس و قلمرو استفاده از آن

در روش تاسیس بیان شد که می‌توان آموزه‌های اقتصادی اسلام را از کتاب، سنت و عقل استنباط و استخراج کرد. هر یک از آموزه‌های مستنبط یا باید یقین حاصل شود که مطابق با واقع و نفس‌الامر است یا اگر یقین حاصل نشد، باید حجت عندالله باشد. نخستین دسته از آموزه‌ها، مبانی اعتقادی است. برخی از مبانی اعتقادی با برهان عقلی اثبات می‌شود که یقین‌آور است و حجیت قطع و یقین نیز ذاتی است. اثبات وجود خدای متعال، ربوبیت او، ضرورت وحی و... را می‌توان از طریق براهین عقلی و قطعی اثبات کرد. ممکن است برخی از مبانی اعتقادی همانند اصالت فرد و جامعه، جانشینی انسان برای خداوند، هدف غایی خلقت نعمت‌های جهان بهره‌مندی انسان است، و هدف غایی خلقت انسان را نتوان با برهان عقلی اثبات کرد. در این صورت باید از قرآن و سنت بهره گرفت. به یقین می‌توان به مدلول آیاتی که بر مطلب دلالت داشته باشند، تمسک جست؛ اما در استفاده از روایت برای اثبات مبانی اعتقادی اگر روایات متواتر یا محفوف به قرینه قطعی‌الصدور بوده هیچ اشکالی وجود نخواهد داشت و مستفاد این دسته آیات و روایات حجت عندالله هستند؛ چون حجیت قطع و یقین، ذاتی است.

اگر برخی مبانی اعتقادی از طریق ادله قطعی قابل اثبات نباشد، آیا می‌توان به ادله ظنی معتبر همانند خبر واحد تمسک کرد؟ آیا دلیل حجیت خبر واحد فقط منحصر به احکام افعال مکلفان است یا شامل امور اعتقادی، تکوینی و تاریخی نیز می‌شود؟ درباره این مطلب، بین متکلمان، فقیهان و اصولیان، موافق و مخالف فراوان وجود دارد. ما وارد این بحث نمی‌شویم و نظریه‌ای که مدعی است ادله حجیت خبر واحد

اموری غیر از احکام افعال مکلفان را شامل می‌شود می‌پذیریم؛ البته حجیت خبر واحد اگر در اصول عقاید پذیرفته نشود، در فروع عقاید پذیرفته می‌شود (برنجکار، ۱۳۷۵، ش ۹، ص ۱۱۶ - ۱۲۲). بدین ترتیب آنچه از برهان عقلی، دلالت قطعی قرآن، نقل متواتر، نقل واحد محفوظ به قرینه قطعی در تمام مباحث اعتقادی به دست می‌آید، حجت است و همچنین آنچه از خبر واحد معتبر در مباحث فروع اعتقادی استنباط و کشف می‌شود، حجت است.

اهداف نظام اقتصادی و نیز قواعد اساسی مترتب بر مبانی اعتقادی از دو راه به دست می‌آیند: الف. به صورت نتیجه مبانی اعتقادی به طور مستقیم از خود مبانی اعتقادی اخذ شود؛ ب. از عقل، آیات و روایات استنباط شود. اگر از روش دوم استنباط و استخراج شوند، از جهت حجیت، به یقین حجت خواهند بود و دلیل حجیت آن همان مطالبی است که در بحث حجیت این منابع و مدارک در مبانی اعتقادی گذشت و اشکالی که به خبر واحد معتبر در مبانی اعتقادی وارد شده بود، اینجا وارد نیست؛ زیرا اهداف قواعد اساسی در شمار مباحث اعتقادی قرار ندارند.

اگر اهداف و قواعد اساسی به طور مستقیم برگرفته از مبانی اعتقادی باشند، آیا حجت خواهند بود؟ پاسخ، مثبت است؛ چون لوازم عقلی و عادی و شرعی ادله عقلی و نقلی حجت هستند و فقط لوازم عقلی و عادی اصول عملیه حجت نیستند و در استنباط مبانی اعتقادی، اصول عملیه هیچ جایگاهی ندارند؛ یعنی ما هیچ مبانی اعتقادی را از اصول عملیه استفاده نمی‌کنیم تا گفته شود لوازم عقلی و عادی آن مبانی اعتقادی مستنبط حجت نیستند.

احکام اقتصادی که از قواعد اساسی استنباط می‌شوند نیز همه عندالله حجت هستند؛ زیرا اگر احکام اقتصادی از لوازم عقلی، عادی و شرعی قواعد اساسی باشند، حجت خواهند بود؛ چون قواعد اساسی یا به طور مستقیم از مبانی اعتقادی یا از ادله نقلی استنباط و کشف می‌شوند و لوازم عقلی، عادی و شرعی این گونه قواعد اساسی نیز حجت هستند و در استنباط قواعد اساسی، اصول عملیه جایگاهی ندارند و اگر بتوانیم برخی قواعد اساسی را از اصول عملیه استنباط و استخراج کنیم، لوازم عقلی و عادی آنها حجت نخواهند بود.

## حجیت روش امضا و اکتشاف و قلمرو استفاده از آنها

پیش تر درباره حجیت هر یک از این دو روش بحث‌هایی مطرح شد. فقیهان روش امضا را در استنباط احکام معاملی و اقتصادی پذیرفته‌اند و حجیت و دلالت آن را اثبات کردند؛ اما به روش اکتشاف اشکالاتی وارد شد و فقط در دو صورت قواعد اساسی را که از طریق روش اکتشاف به دست می‌آید، حجت می‌دانیم: الف. آنچه از این طریق به دست می‌آید، قطع و یقین به آن حاصل شود که حجیت قطع ذاتی است؛ اما حصول قطع در اغلب موارد مشکل است و در نتیجه کاربرد این روش اندک خواهد بود؛ ب. کشف قواعد اساسی امری ضروری در اقتصاد اسلامی می‌باشد و از سوی دیگر راه کشف آن نیز از طریق علم یا علمی منسد باشد که در این صورت به جهت انسداد باب علم و علمی، قواعد اساسی که از طریق اکتشاف به دست می‌آیند به صورت ظنون قابل عمل، مبنای عمل افراد و سیاست‌گذاران اقتصادی نظام واقع می‌شوند؛ اما با توجه به آنچه پیش تر گذشت، ما می‌توانیم از دو طریق به قواعد اساسی مورد نظر در نظام اقتصادی اسلام دست یابیم و راه کشف آنها منسد نیست. بنابراین، روش اکتشاف مگر در فرض حصول قطع، حجت نیست و مستنبطات این راه نمی‌تواند مبنای عمل افراد و سیاست‌گذاران قرار گیرد. البته، بعد از استفاده از روش تأسیس، امضا و نیز اصول و قواعدی که به نحو قطع از روش اکتشاف به دست می‌آیند، آنچه باقی می‌ماند، اگر اصل یا قاعده‌ای باشد که کشف و استنباط آن ضرورت داشته باشد، می‌توان از روش اکتشاف، به عنوان ظن عام به دست آورد و مبنای عمل افراد و سیاست‌گذاران اقتصادی قرار می‌گیرد.

### جمع‌بندی مباحث پیشین

آموزه‌های اقتصاد اسلامی شش دسته هستند: ۱. مبانی اعتقادی، ۲. اصول و قواعد اساسی، ۳. اهداف اقتصادی، ۴. احکام اقتصادی، ۵. الگوهای اقتصادی، ۶. دانش اقتصاد.

روش ترکیب، جهت کشف این آموزه‌ها، به عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین روش ارائه شد. این روش، مشتمل بر سه جزء می‌باشد که عبارتند از: ۱. روش تأسیس، ۲. روش امضا، ۳. روش اکتشاف.

در کشف چهار دسته اول می‌توان از روش تأسیس بهره‌مند شد. بعد از کشف مبانی اعتقادی از عقل قرآن و سنت، می‌توان اصول و قواعد اساسی را به‌طور مستقیم از آن مبانی اعتقادی کشف و استنباط کرد. افزون بر آن می‌توان با مراجعه به عقل، قرآن و سنت، اصول و قواعد اساسی اقتصادی را کشف و استنباط کرد. اصول و قواعدی که از طریق مراجعه به عقل، قرآن و سنت کشف و استنباط می‌شود، باید مبتنی و هماهنگ با مبانی اعتقادی باشند. اهداف اقتصادی را نیز می‌توان با مراجعه مستقیم به مبانی اعتقادی، کشف و استنباط کرد. به علاوه می‌توان با مراجعه به عقل، قرآن و سنت، اهداف اقتصادی را استنباط کرد. اهداف اقتصادی استنباط شده از عقل، قرآن و سنت، باید مبتنی بر مبانی اعتقادی و همسو با آنها باشد.

احکام اقتصادی را می‌توان از طریق مراجعه مستقیم به اصول و قواعد اساسی استنباط نمود. علاوه بر این، از آنجایی که احکام اقتصادی عمدتاً امضایی هستند، باید از روش امضا برای کشف و استنباط احکام اقتصادی بهره‌مند شد؛ اما در امضای احکام اقتصادی افزون بر آنکه احکام اقتصادی عرف و عقلای دنیا نباید غرری، ضرری، ربوی و اکل مال به باطل باشند، همچنین نباید مخالف با اصول و قواعد اساسی باشند. به عبارت دیگر، اصول و قواعد اساسی مستنبط به عنوان مقیدات اختصاصی باب آموزه‌های اقتصاد اسلامی دارای جایگاهی همانند قاعده «لاضرر، لاغیر، اکل مال به باطل و ربوی» دارند. الگوهای اقتصادی شامل دو دسته هستند:

**الف. الگوهای دستوری:** از آنجایی که در ساختار هر الگو سه جزء لازم است که عبارتند از: انگیزه رفتاری، قواعد رفتاری و محدودیت‌های رفتاری؛ این سه امر در الگوهای دستوری از منابع استنباط، کشف و استنباط می‌شوند و الگوهای رفتاری ارائه می‌گردد.

**ب. الگوهای اثباتی:** بعد از کشف و استنباط مبانی اعتقادی، اصول و قواعد اساسی و احکام اقتصادی و تثبیت باورهای اعتقادی، حاکمیت اصول و قواعد اساسی در عرصه اقتصادی، و عمل به احکام اقتصادی، بستر کشف الگوهای رفتاری از رفتارهای اقتصادی مردم فراهم می‌شود. با کشف سه عنصر انگیزه رفتار اقتصادی، محدودیت‌ها، و قواعد رفتاری می‌توان به الگوهای اثباتی دست یافت.

در الگوهای دستوری و اثباتی، سه عنصر انگیزه رفتاری، محدودیت‌ها و قواعد رفتاری، کاملاً باید مطابق و هماهنگ با مبانی اعتقادی و اصول و قواعد اساسی باشند.

به عبارت دیگر، مبانی اعتقادی و اصول و قواعد اساسی مقیدات انگیزه، محدودیت و قواعد رفتاری هستند.

آنچه در کشف و استنباط الگوهای رفتاری بیان شد، روش تأسیس است؛ چراکه هم الگوهای دستوری و هم اثباتی یا با توجه به مبانی اعتقادی و اصول و قواعد اساسی و هماهنگ با آنها کشف و استنباط می‌شوند و یا در بستر تثبیت مبانی اعتقادی و تحقق اصول و قواعد اساسی کشف می‌گردند.

شایسته توجه است که الگوهای رفتاری را نیز می‌توان از روش امضا کشف کرد و الگوهای رفتاری عرف و عقلای دنیا را مورد بررسی قرار دهیم. اگر انگیزه رفتاری اقتصادی، محدودیت‌ها و قواعد رفتاری هر الگو با آموزه‌های اسلامی، مبانی اعتقادی، اصول و قواعد اساسی و اهداف نظام اقتصادی مخالف نباشد، دلیلی بر رد آنها وجود ندارد. اما، به یقین الگوهای رفتاری که از روش تأسیس، کشف و استنباط می‌شوند دارای اولویت هستند؛ چون هماهنگی الگوهای رفتاری با مبانی اعتقادی، اصول و قواعد اساسی و اهداف نظام اقتصادی موجب تسهیل در اجرای نظام اقتصادی و وصول نظام به اهدافش خواهد شد.

#### منابع

۱. اصفهانی، محمدحسین، هاشیه کتاب المکاسب، تحقیق شیخ عباس محمد آل سباع، اول، ۱۴۱۸ق.
۲. برنجکار، رضا، «روش‌شناسی علم کلام روش استنباط از متون دینی»، فصلنامه نقد و نظر، سال سوم، ش ۹، زمستان ۱۳۷۵. *اطاعات فقهی*
۳. حرّ عاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعة (وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة)، بیروت، مؤسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، اول، ۱۴۱۳ق.
۴. سلیمان پور، محمدجواد، «قراردادهای مالی جدید در اسلام»، فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۱، پاییز ۱۳۸۲ش.
۵. صدر، محمدباقر، اقتصادنا، ایران، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
۶. \_\_\_\_\_، المدرسة الاسلامیة، تهران، انتشارات مکتبه اعتماد کاظمی، چاپ اول، ۱۴۰۱ق.
۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، لبنان، مؤسسه الاعلمی



للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

۸. غسان محمود، ابراهیم و قحف، منذر، الاقتصاد الاسلامی علم ام وهم، دمشق، دارالفکر، اول، ۱۴۲۰ ق.

۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، سوم، ۱۴۰۳ ق، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ ش.

۱۰. معرفت، محمدهادی، گفت و گو درباره «ساختار و ماهیت اقتصاد اسلامی»، مجموعه مقالات ساختار و ماهیت اقتصاد اسلامی.

۱۱. موسوی خمینی، سید روح الله، البیع، مؤسسه نشر اسلامی، پنجم، ۱۴۱۵ ق.

۱۲. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، تقریر اباحت سماحه آیت الله خویی، به قلم محمدعلی توحیدی، قم، نشر دآوری، ۱۳۷۷ ش.

۱۳. میر معزی، سیدحسین، ساختار کلان نظام اقتصادی اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، اول، ۱۳۸۱ ش.

۱۴. \_\_\_\_\_، نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه‌ها)، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، اول، ۱۳۷۸ ش.

۱۵. \_\_\_\_\_، نظام اقتصادی اسلام (مبانی فلسفی)، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، اول، ۱۳۸۰ ش.

۱۶. هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم مؤسسه فرهنگی خانه خرد، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش.

۱۷. یوسفی، احمدعلی، با همکاری سعید فراهانی فرد و علی رضا لشکری، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی (مجموعه مقالات و گفت و گوها)، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، اول، ۱۳۷۹ ش.

۱۸. \_\_\_\_\_، «تفسیر نظریه شهید صدر در باب کشف مذهب اقتصادی مطابق با مبانی فقه شیعه»، فصلنامه فقه و حقوق، ش ۵، ۱۳۸۴ ش.

۱۹. \_\_\_\_\_، «کشف و اجرای شریعت در روابط اجتماعی»، فصلنامه قبسات، ۱۳۸۳، شماره ۳۲.

۲۰. \_\_\_\_\_، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.